

## برگزاری سمینار بین‌المللی حزب‌های کمونیست جهان: «کمونیست‌ها و جنبش‌های اجتماعی»



به ابتکار و سازمان‌دهی حزب توده ایران، به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب، سمینار بین‌المللی ارزنده‌ای در روز شنبه اول آبان با مضمون اصلی «کمونیست‌ها و جنبش‌های اجتماعی» به صورت آنلاین برگزار شد. در این سمینار نمایندگان رهبری هشت حزب برادر از چهار قاره جهان و نیز پروفیسور پرواندا آبراهامیان، پژوهشگر و استاد تاریخ بنام و برجسته که آثار پژوهشی متعددی در مورد تاریخ معاصر ایران نوشته و منتشر کرده است، سخن گفتند. موضوع‌هایی که در

زیر عنوان اصلی این کنفرانس علمی به آنها پرداخته شد عبارت بودند از:  
 ۱. کمونیست‌ها و انقلاب‌های ملی-دمکراتیک،  
 ۲. کمونیست‌ها و موضوع جبهه متحد با نیروهای دیگر، و  
 ۳. کمونیست‌ها و «اسلام سیاسی».

در این سمینار ۴ ساعته، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)، معاون دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، دو عضو کمیته مرکزی و هیئت سیاسی

ادامه در صفحه ۹



شماره ۱۱۴۱، ۳ آبان ۱۴۰۰  
دوره هشتم، سال سی و هشت

### حزب توده ایران از مشی سیاسی - تشکیلاتی اصولی و مبارزه انقلابی خود منحرف نخواهد شد!

برگزاری شکوهمند جشن هشتاد سالگی حزب توده ایران که با استقبال گسترده‌ای در داخل و خارج کشور روبه‌رو شد، انتشار پیام‌ها و سخنرانی‌های پرشور رهبران دهه‌ها حزب کمونیست و کارگری جهان به حزب ما که نشان از اعتبار و احترام بی‌سابقه حزب ما در جنبش کارگری و کمونیستی جهان دارد، و دریافت پیام‌های پرشور تبریک از توده‌ای‌ها در ایران و جهان، نمی‌توانست از یک سو با خشنودی و استقبال وسیع توده‌ای‌ها در سراسر جهان و از سوی دیگر با خشم و عصبانیت شدید دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران، همکاران آنها در ایران و خارج از کشور، و مخالفان و بدخواهان حزب روبه‌رو نشود.

در چنین احوالی، به راه افتادن موج تازه‌ای از مقاله‌نویسی‌ها علیه حزب توده ایران و رهبری آن در رسانه‌های داخل و خارج کشور، از روزنامه شرق و رادیو زمانه گرفته تا پایگاه‌های اینترنتی و نشریاتی که برخی از آنها نیز مدعی

ادامه در صفحه ۶

### بیانیه حزب توده ایران درباره کودتای نظامی در سودان



۲۵ اکتبر ۲۰۲۱ / ۳ آبان ۱۴۰۰  
بر اساس گزارش‌های دریافت شده درباره کودتای نظامی در سودان در نخستین ساعت‌های روز دوشنبه ۲۵ اکتبر ۲۰۲۱ (۳ آبان ۱۴۰۰)، که از طرف حزب کمونیست سودان به اطلاع ما رسید، کمیته مرکزی

حزب توده ایران نگرانی خود را نسبت به وضعیت پیش آمده ابراز می‌کند. ما این اقدام ننگین و غیرقانونی نیروهای نظامی سودان و بقایای رژیم استبدادی عمر البشیر را قاطعانه و به‌صراحت محکوم

ادامه در صفحه ۱۲

موریس بیشاپ و انقلاب گرنادا را به یاد آوریم  
ص ۱۶

ترمیم دستمزد، جلسه‌های شورای عالی کار، و راهبرد آزادسازی مزد  
ص ۲  
فساد و رشوه‌خواری فراگیر و نهادینه شده در حکومت فقیهان  
ص ۴  
بحران‌های اقلیمی و رژیم ولایت فقیه  
ص ۵  
سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سمینار بین‌المللی حزب‌های کمونیست جهان  
ص ۱۱

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه!

## ترمیم دستمزد، جلسه‌های شورای عالی کار، و راهبرد آزادسازی مزد

درحالی‌که از اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران صنعت نفت، کارگران معادن مس و زغال‌سنگ کرمان، اعتصاب شش‌روزه کارگران ابنیه فنی در ناحیه ریلی آذربایجان آذربایجان گرفته تا نیشکر هفت‌تپه، اعتراض‌های چندهفته‌ای سراسری آموزگاران و بازنشستگان، اعتراض‌های پی‌درپی پرستاران برای اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و تبدیل وضعیت قراردادشان و مطالبه دستمزدی مطابق نرخ تورم، و مبارزه کارگران شهرداری‌ها در استان‌های مختلف کشور جریان دارد، دولت رئیسی و رژیم ولایتی ضمن تهدید و سرکوب این اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها، آزادسازی مزد و ارزان‌تر کردن نیروی کار را به‌موازات یکدیگر به‌پیش می‌برند و حتی به خواست تشکیل جلسه‌های شورای عالی کار به‌منظور ترمیم مزد هم اعتنایی نمی‌کنند. گرچه "اتاق بازرگانی" پرداخت یک‌سوم دستمزد (مصوب شورای عالی کار) را برای بهره‌کشی از تحصیل‌کردگان دانشگاهی یا شیوه "استاد-شاگردی- کارورزی" به دولت رئیسی پیشنهاد کرده بود، اما دولت رئیسی به این هم قانع نیست و هدفش کاستن هرچه بیشتر از دریافتی زحمتکشان است. با بیکاری میلیونی زحمتکشان و دستمزد یک‌چهارم خط فقر آنان، و با افزایش قیمت نان، هزینه حامل‌های انرژی، آموزش، بهداشت و درمان و همراه با آن‌ها افزایش افسارگسیخته نرخ تورم مواد غذایی و هزینه اجاره مسکن در سه ماه اخیر، کارگران و بازنشستگان خواستار ترمیم دستمزد و مستمری بوده‌اند. کارگران رژیم که وعده به‌اصطلاح مهار تورم را داده‌اند اما به‌خواست نیروی کار کشور پاسخی ندادند و در راستای تأمین منافع کلان‌سرمایه‌داران سیاست‌گذاری و اقدام به‌اجرای آن می‌کنند.

با افزایش افسارگسیخته و بی‌امان تورم به‌خصوص در هفت ماه اخیر، خط فقر به ۱۳ میلیون تومان در ماه رسیده است. روز ۲۲ مهرماه رئیس کمیته دستمزد در شکل دست‌ساز رژیم افزایش هزینه‌های حداقلی در شش ماه نخست سال جاری را ۵۸/۸۵ درصد و نرخ سید معیشت بسیار حداقلی را ۱۱ میلیون تومان در ماه عنوان کرد. در حال حاضر پایه حقوق کارگران ۲ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان در ماه است و اگر کارفرمایان و دلالان نیروی کار هم حتی دستمزد و تمام مزایای مزدی کارگران را پرداخت کنند، دریافتی کارگران به حدود ۴ میلیون تومان در ماه خواهد رسید که با ۱۱ میلیون تومان در ماه فاصله زیادی دارد. روز ۱۹ مهرماه وزارت کار رژیم افزایش ۷۵ درصدی اقلام منتخب خوراکی‌ها را "فاتر از حد بحرانی" گزارش داد. نشریه همدلی، ۲۱ مهرماه، بر اساس گزارش مرکز آمار از افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت خوراکی‌ها از اواسط شهریورماه سال جاری و نیز از "گرانی تا سقف ۲۵۵ درصدی" برخی از کالاها در ماه‌های آینده خبر داد. در چنین شرایطی و با وجود تورم ۵۰ درصدی و بی‌اعتنایی به خواسته زحمتکشان برای ترمیم دستمزد در سه ماه اخیر، رئیسی در خلال سفر به شیراز روز ۲۲ مهرماه در حین تهدید کارگران به توافقی کردن دستمزد، حل مشکل معیشت خانواده‌های کم‌درآمد را به‌عنوان اولویت دولت خود عنوان کرد. به‌سبب مثل معروفی که می‌گوید دروغ‌گو کم‌حافظه است، او فراموش کرده بود که دو روز قبل از آن، افزایش حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار، یعنی کارگران با دستمزد یک‌چهارم خط فقر را، "علی‌الحساب ده (۱۰) درصد" به سازمان برنامه‌بودجه ابلاغ کرده بود. رژیم اجرای آزادسازی مزد و آزادسازی کامل اقتصاد و حذف به‌اصطلاح یارانه‌های "پنهان" را در نظر دارد.

### آزادسازی قیمت‌ها و مخالفت با ترمیم مزد

منظور رژیم از حذف یارانه‌های پنهان، افزایش قیمت مواد غذایی مانند نان، یا قیمت حامل‌های انرژی مانند برق، و جز این‌ها برای زحمتکشان است. در حالی‌که در بسیاری از استان‌ها دستمزد کارگران خباز (نانوا) سال‌ها افزایش نیافته است، در یک ماه اخیر و با بهانه نیاز به افزایش دستمزد کارگران خباز قیمت نان در نقاط مختلف کشور ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. مثلاً قیمت نان در کرمان تا مرز ۴۰ درصد افزایش

یافته است. مانند سال ۹۳ و بنا بر گزارش ۴ مهرماه روزنامه اعتماد، با به‌اصطلاح اصلاح آرام‌آرام قیمت برق، "بیش از ۸۵۰ هزار مشترک در تابستان امسال با قبض‌های برق که در آن‌ها میزان مصرف‌شان بالاتر از الگوی مصرف اعلام شده مواجه شدند و به همین دلیل باید چند برابر سایر مشترکان هزینه بپردازند." حتی عضو کمیسیون امور داخلی کشور از برگزاری referendum برای حذف "یارانه‌های آشکار و پنهان" صحبت می‌کند و نایب‌رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه با "پدر جامعه" خواندن دولت از پرداخت مستقیم "یارانه پنهان" به مردم صحبت می‌کند. بنابراین می‌توان تأکید کرد رژیم ولایتی جز تحمیل فقر مطلق به زحمتکشان و پیشبرد سیاست صدقه‌ای هدفی دیگر ندارد. با نرخ سید معیشت ۱۳ میلیون تومان در ماه، به‌اصطلاح یارانه معیشتی پرداختی به مردم، از ماهیانه ۵۵ هزار تومان برای خانوار یک نفره، تا ۲۰۵ هزار تومان برای خانوار پنج نفره و بیشتر تغییر می‌کند و می‌توان چنین نتیجه گرفت که این سیاست عوام‌فریبانه مشکل معیشت را با توجه به بحران اقتصادی به‌طور ریشه‌ای حل نخواهد کرد.

### حداقل مزد مصوبه شورای عالی کار و هزینه‌های مسکن و درمان

با دستمزد یک‌چهارم خط فقر زحمتکشان، یکی از مشکلات اساسی کارگران پرداخت هزینه‌های هنگفت اجاره مسکن، به‌خصوص در کلان‌شهرهاست. هزینه اجاره آپارتمانی در اکثر شهرهای کشور کمتر از ۲ میلیون تومان در ماه نیست. بر اساس گزارش ۲۴ مهرماه ایلنا، حتی "در شهرهای بزرگ اجاره خانه ماهانه مرز ۳ یا ۴ میلیون تومان را پشت سر گذاشته" است. در یک چنین شرایطی، بعد از پرداخت حدود ۱۱ میلیون تومان اعتبار به تعاونی مسکن در پروژه‌های سپیدار ۲ و ۳ و انتظار هشت‌ساله، ۲۷۰ نفر از رانندگان شرکت واحد از تمام شدن ساخت یک بلوک، و فروش بخشی از واحدها و مغازه‌های زیر آن خبر دادند. کارگران با اشاره به "فروش مال غیر"، روز ۲۴ مهرماه از شکایت به قوه قضائیه خبر دادند؛ اما هنوز شکایت‌شان به سرانجام نرسیده است. روزنامه همدلی در گزارشی از شرایط مسکن، ۴ مهرماه، از افزایش ۱۵ برابری قیمت مسکن در "نقطه به نقطه کشور در دو سال گذشته" خبر داد. بر اساس همان گزارش، یک "آپارتمان نسبتاً لوکس در ترکیه تقریباً یک‌چهارم شمال تهران قیمت دارد" و در ۷ ماه اخیر ایرانیان ۴۶۰۰ خانه در ترکیه خریداری کرده‌اند. قرار بود از خروج سرمایه از کشور جلوگیری شود، روز ۱۸ مهرماه یک اقتصاددان از پنج برابر شدن خروج سرمایه از کشور و از خارج شدن ۷ میلیارد دلار از ایران برای خرید خانه در ترکیه خبر داد. در بخش درمان نیز، مطابق گزارش ۱۸ مهر ایلنا، تورم بخش درمان در کشورمان به‌طور میانگین دو برابر نرخ تورم عمومی است. به‌عبارت‌دیگر، اگر تورم حدود ۴۵ درصد باشد، تورم بخش درمان به ۹۰ درصد می‌رسد. استان‌های البرز و سیستان و بلوچستان هرکدام تنها ۲ بیمارستان تأمین اجتماعی دارند. یعنی دو استان با مجموعاً ۱ میلیون و ۵۳۳ هزار بیمه‌شده و مستمری‌بگیر، تنها ۴ بیمارستان برای نیازهای درمان خود دارند و بخش قابل‌توجهی از بیمه‌شدگان مجبور به مراجعه به مراکز خصوصی هستند که تعرفه‌های بالای آن‌ها توسط دفترچه بیمه الزاماً پوشش داده نمی‌شوند. با تصویب شورای عالی بیمه، در سال‌های اخیر داروهای زیادی از پوشش بیمه‌ها خارج شده‌اند و بیمه‌شدگان مجبور به پرداخت هزینه‌ای زیاد برای داروهایشان هستند.

### رشد نرخ بیکاری و برنامه ارزان‌سازی نیروی کار

با اجرای خشن سیاست تعدیل ساختاری در دو دهه اخیر و به‌رغم ویران شدن هزاران کارگاه تولیدی و بیکار شدن ده‌ها هزار کارگر متخصص و ماهر، بر اساس آمار رژیم نرخ بیکاری در کشور هنوز ۹/۶ درصد است. با وصف اینکه روز ۲۵ مهرماه، وزیر کار، عبدالملکی، از بین رفتن یک میلیون و ۹۰۰ هزار فرصت شغلی فقط در سال گذشته خبر می‌دهد، به نظر می‌رسد حتی تحریم‌های امپریالیستی و همه‌گیری ویرانگر کرونا نیز تغییری در آمار بیکاری رژیم به وجود نیاورده‌اند! در انتخابات فرمایشی رژیم به‌منظور برگردان رئیس‌جمهور، رئیسی وعده افزایش یک میلیون شغل در سال را داده بود؛ و در سفرش به شیراز و بنا به‌گفته خودش، گله‌مندی مردم شیراز "نسبت به مسئله بیکاری" بود. به‌رغم تلاش به حذف حداقل دستمزد و توافقی کردن دستمزد و نیاز مبرم کارگران و بازنشستگان به ترمیم دستمزد و مستمری یک‌چهارم خط فقر آنان، یکی از راه‌حل‌های عبدالملکی، وزیر کار، برای برطرف کردن معضل بیکاری زحمتکشان، تقویت فرهنگ اربعین و پویش موکب اشتغال محرومان است. بنا بر گزارش ۳



تجمع‌هایی گسترده و سراسری و هماهنگ در ده‌ها شهر کشور در اعتراض به خصوصی‌سازی آموزش و با خواسته‌های آزادی بی‌قیدوشرط همکاران بازنشسته شده و گرفتار در بند خود، پایان دادن به چپاول و غارت ثروت کشور، اجرای لایحه رتبه‌بندی و افزایش حقوق و مزایای هر فرهنگی حداقل تا هشتاد درصد حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، و لغو افزایش ساعت کار موظف از ۲۴ ساعت به ۳۰ ساعت برگزار کرده‌اند. در یک ماه اخیر بازنشستگان کشورمان اعتراض‌هایی گسترده برای دستیابی به مستمری بالاتر از خط فقر، دائمی شدن همسان‌سازی حقوق، و دریافت درمان رایگان بعد از عمری پرداخت حق بیمه برگزار کرده‌اند. کارگران ابنیه فنی راه‌آهن آذربایجان از آغاز مشکلات خود با واگذاری خطوط ابنیه فنی به بخش خصوصی خبر می‌دهند و پرداخت نشدن معوقات مزدی‌شان، نداشتن امنیت شغلی، افزایش مزد و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همچنین اجرای طرح تجمیع برای یکسان‌سازی حقوق را از خواسته‌های اصلی‌شان می‌دانند. بعد از دریافت یک ماه از دستمزد معوقه‌شان در روز ۲۴ مهرماه، این کارگران به اعتصاب شش‌روزه‌شان پایان دادند. اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در معادن کشورمان توقف کار کارگران مس سونگون و رزقان در روزهای ۱۴ و ۱۵ مهرماه با خواسته‌های افزایش دستمزد و بهبود شرایط قراردادهای و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، اعتصاب و راهپیمایی و تجمع‌های اعتراضی کارگران معادن زغال‌سنگ خصوصی‌سازی شده زرنده کرمان همراه با اعضای خانواده‌شان و با مطالبه پرداخت دستمزد یکسان برای کار یکسان و حذف دلالتان نیروی کار و بازگشت معادن به دولت، اعتراض‌های گسترده کارگران صنایع مس ایران در معدن بابک کرمان علیه اخراج و بازداشت همکارانشان را شامل بوده است. همچنین کارگران معدن زغال‌سنگ چشمه پونه کرمان بعد از چند روز برگزاری گردهمایی‌های اعتراضی در محل کارشان، در نهایت تجمعی اعتراضی در مقابل استانداری کرمان برگزار کردند. اینها، ۲۶ مهرماه، وعده افزایش ۳۰ درصدی حقوق و مزایای کارگران چشمه پونه از سوی مسئولان را خبر داد. البته باید یادآور شد بسیاری از این نوع وعده‌ها در سایر مراکز کارگری هرگز عملی نشده‌اند. همچنین در نتیجه اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران نیشکر هفت‌تپه رژیم ولایت فقیه به برخی عقب‌نشینی‌ها وادار شد که این نشان دهنده اهمیت تشدید مبارزه در مقطع زمانی کنونی است. مبارزه برای توقف برنامه ضد ملی خصوصی‌سازی علاوه بر هفت‌تپه در دیگر مراکز کارگری نیز جریان دارد. کارگران پالایشگاه کرمانشاه با طوماری با چند هزار امضا و با خواست خلع‌ید از مالک پالایشگاه و تحویل آن به رئیس قوه قضائیه، روز ۲۶ مهرماه شیوه و میزان قیمت‌گذاری، فروش اراضی وقفی پالایشگاه بعد از واگذاری، و اخراج کارگران را جزو مهم‌ترین تخلفات مالک پالایشگاه دانستند. تجربه مبارزات کارگران هفت‌تپه، هیکو، و سایر مراکز کارگری نشان داده است که دستیابی زحمتکشان به مطالباتشان فقط با مبارزه امکان‌پذیر است، نه با خواهش و چشم امید دوختن به جناح‌های حکومتی. این اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها همراه با اعتراض‌های کارگران شهرداری‌ها در ده‌ها شهر کشور، جواب زحمتکشان کشورمان به اصرار رئیس به تشدید خصوصی‌سازی، تحمیل دلالتان نیروی کار به زحمتکشان، و مقررات‌زدایی افسارگسیخته برای ارزان‌سازی نیروی کار بوده است. پایان دادن به سیاست‌های ضد کارگری رژیم فاسد ولایتی، تنها با سازمان‌دهی، همبستگی، و مبارزه‌ای متحد و پیگیر ممکن خواهد شد.

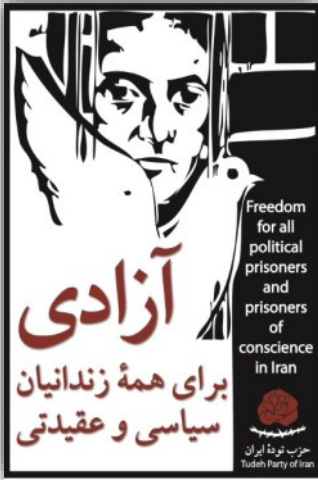
## ادامه ترمیم دستمزد، جلسه‌های شورای عالی ...

مهرماه ایسنا، در مراسم بدرقه موبک اشتغال محرومان، عبدالملکی از مردم و کارآفرینان [بخوان کارفرمایان] خواست تا برای کمک به این موبک که ۲ سال قبل توسط یک گروه جهادی و با پشتیبانی کمیته امداد آغاز به کار کرده است، اعلام آمادگی کنند. طرح بنای ایران اتاق بازرگانی که قبل از انتخابات فرمایشی رژیم به رئیسی ارائه شده بود، "ادغام تأمین اجتماعی در سازمان امور مالیاتی" و گسترش بیمه‌های خصوصی را توصیه می‌کرد. در چارچوب اقتصاد مقاومتی ولی فقیه، راه حل دیگر عبدالملکی برای حل معضل بیکاری میلیون‌ها تحصیل کرده دانشگاهی و همچنین ویران کردن باقی‌مانده تأمین اجتماعی، گسترش طرح کارورزی و معاف کردن کارفرمایان از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما به مدت دو سال است. در اجرای طرح "استاد-شاگردی-کارورزی"، در حالی که طرح "بنای ایران" اتاق بازرگانی، پرداخت یک‌سوم دستمزد مصوب شورای عالی کار را پیشنهاد کرده بود، مطابق گزارش ۱۳ مهرماه ایسنا، در طرح رئیسی-عبدالملکی برای اجرای این شیوه بهره‌کشی، ماهیانه پرداختی به تحصیل کردگان برای "مقطع کارشناسی ۵۰۰ هزار تومان، برای مقطع کارشناسی ارشد ۶۰۰ هزار تومان و برای مقطع دکترا ۷۰۰ هزار تومان" خواهد بود. برای حذف حقوق کار و تمامی حمایت‌های قانونی از کارگران، دولت و مجلس، به خصوص در چهار سال اول ریاست جمهوری روحانی، در گسترش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به تمام نقاط کشور و ارزان‌سازی نیروی کار تلاش فراوانی کردند. در ماه‌های اخیر، به منظور ارائه نمونه‌هایی از این تلاش‌ها، بنا به سه گزارش خبرگزاری ایلنا در ۱۱، ۲۱ و ۲۵ مهرماه از شهرک صنعتی کاوه در منطقه ویژه اقتصادی ساوه، کارفرمایان از عدم تمایل کارگران متخصص یا ساده به کار خبر داده‌اند. در شرایطی که خط فقر در کشورمان ۱۳ میلیون تومان در ماه و پایه حقوق مصوب شورای عالی کار ۲ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان در ماه است، کارگران بر اساس این میزان حداقل مزد قدرت تأمین نیازهای اولیه زندگی‌شان را ندارند. باین وجود و فقر خانوارهای کارگری، مرتجعان رژیم ولایتی هدف‌شان آزادسازی مزد و ارزان کردن بیشتر نیروی کار است.

## فساد نهادینه، دستمزد ناچیز و حق بیمه پرداخت نشده کارگران

روز ۲۵ مهرماه کارگران پیمانی شهرداری آبدان استان خوزستان از ۲۰ ماه مزد و ۱۱ ماه حق بیمه پرداخت نشده‌شان خبر دادند. این کارگران از اسفندماه ۹۷ دستمزدی دریافت نکرده‌اند. ۲۰ مهرماه که رئیسی در بخشنامه‌ای افزایش حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار را علی‌الحساب ده (۱۰) درصد ابلاغ کرده بود، کارگران شهرداری سی سخت در کهگیلویه و بویراحمد اعلام کردند: از مهرماه ۹۹ حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

در همان ۲۰ مهرماه و در قرائت گزارشی از تخلفات متعدد در تفریح بودجه سال ۹۹ به مجلس، رئیس کل دیوان محاسبات کشور "پرداخت نقدی هزینه‌های رفاهی (بدون سقف مشخص) و خارج از قیاس حقوقی، پرداخت سکه و کارت هدیه بدون درج در... فیش حقوقی، عدم رعایت سقف تعیین شده به بهانه‌های مختلف، بعضاً سودده نمودن شرکت‌ها با اسناد خلاف واقع به منظور پرداخت پاداش پایان سال، پرداخت پاداش پایان سال مازاد بر سقف مقرر قانونی، و..." را به‌عنوان بخشی از تخلفات متعدد در تفریح بودجه سال ۹۹ عنوان کرد. در شرایطی که خط فقر در کشور ۱۳ میلیون تومان در ماه و حداقل دستمزد قانونی در رژیم ولایتی ۴ میلیون تومان در ماه است، روز ۲۰ مهرماه کارگران پیمانی شهرداری باشت نیشابور از ماهیانه دریافتی یک میلیون و پانصد هزار تومان برای روزانه ۸ تا ۱۲ ساعت کار خبر دادند. شهردار با تأیید گفته کارگران، گفت: "دریافت مزد پایین‌تر از مصوبه شورای عالی کار، ناقص بودن بیمه تأمین اجتماعی از عمده مشکلات کارگران قرارداد شرکتی شهرداری باشت است." روز ۲۴ مهرماه نیز کارگران شهرداری اندیمشک از دریافت نکردن دستمزدشان از آبان‌ماه ۹۹ یعنی به مدت ۱۱ ماه، خبر دادند. بر اساس گزارش ۲۶ مهرماه ایلنا، پرداخت نشدن دستمزد و حق بیمه کارگران از سوی واسطه‌های وابسته به رژیم و دلالتان نیروی کار به جایی رسیده است که شورای شهر تهران از امکان پرداخت مستقیم حقوق کارگران شهرداری تهران خبر می‌دهد. به‌رغم سفر تبلیغاتی رئیسی به خوزستان اعتراض و اعتصاب کارگران پروژه‌ای در برخی مراکز با خواست حذف دلالت‌های نیروی کار و افزایش دستمزد ادامه یافته است. علاوه بر این‌ها، در یک ماه اخیر آموزگاران کشورمان

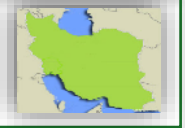


خانم مهسا محمدی، در سایت زیتون، ۲۵ مهرماه ۱۴۰۰، در همین باره نوشته است: "مجلس [یازدهم] در کمتر از دو سالی که از تشکیل آن می‌گذرد راه‌حل‌های اساسی برای بازتعریف مفاهیمی مانند فساد، رانت، شفافیت و نظارت اندیشید تا دیگر زحمت توجیه و یا بازخواست احتمالی برای هر آنکه بتواند سوار قطار انقلاب است، به کلی مرتفع شود." از سوی دیگر ذبیح‌الله خداییان، سخنگوی قوه قضائیه، ۲۴ مهرماه ۱۴۰۰، اعلام کرد: "ولی‌الله سیف، رئیس کل سابق بانک مرکزی، در اتهام برهم زدن نظم و آرامش بازار ارزی کشور و زمینه‌سازی برای خریدوفروش غیرقانونی ارز مجرم شناخته شده و به ۱۰ سال حبس محکوم شده است." در پرونده ولی‌الله سیف، میزان ارزی که او در خریدوفروش غیرقانونی آن دست داشته ۱۵۹ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار و ۲۰ میلیون و ۵۰۰

هزار یورو عنوان شده است. فرار ثروت ملی به شکل ارز از کشور، سیر صعودی قیمت‌ها، رواج بورس‌بازی و دلال‌بازی، سیاست‌های نادرست ارضی، بر هم خوردن تعادل و نبود تعاون در جامعه، رواج دروغ و ربا، رشوه، نیرنگ، اختلاس، و دزدی اموال عمومی، و انواع مسائل دیگری که صفحه‌های روزنامه‌های کشور همواره درباره آن‌ها خبر می‌دهند و بحث می‌کنند، بازتاب وجود بحرانی عمیقی‌اند که سرانجامی حکومت اسلامی را فراگرفته است و خود از جمله انگیزه‌های گسترش نارضایتی‌های گسترده در بطن و محاکمه‌های این افراد نارضایتی در حال گسترش کنونی وجود نمی‌داشت تشکیل دادگاه و محاکمه‌های این افراد به احتمال قوی صورت نمی‌گرفت و در رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی بازتابی نمی‌یافت. عامل دیگر در بازتاب پیدا کردن این نوع مسئله‌ها و فسادهای حکومتی در رسانه‌ها، وجود جناح‌هایی با منافع متفاوت با یکدیگر در نهادهای حکومتی است. برخی از این جناح‌ها برای جلب حمایت افکار عمومی ناچارند خواسته‌هایی را تا اندازه‌ای در نظر بگیرند. در مواقعی هم هدف از این بگیروبیندهای ظاهری گشودن در بجه‌اطمینان‌های دیگر جوشان جامعه به منظور پیشگیری از انفجار آن است. نخستین بار نیست که کارگزاران حکومت ولایتی در مقام "رئیس بانک مرکزی یا معاونت آن دست به خیانت در امانت زده و فساد می‌ورزند. این قصه در جمهوری اسلامی ایران سر دراز داشته است و نشانه‌ای هم نمی‌بینیم که سر بازااستادان داشته باشد. رژیم اسلامی با ترفندها و فریبکاری‌های گوناگون و به‌خاطر مهار کردن خشم توده‌ها در شرایطی معین برخی از مهره‌ها را برای نجات مهره‌های اصلی قربانی کند. خوشبختانه توده‌های مردم به ماهیت این گونه عوام‌فریبی‌ها پی برده‌اند. پرسش این است که این عنصرهای فاسد یا تکیه بر کدام قدرت سیاسی به چنین مقام‌های حساسی دست می‌یابند؟ نه از گردانندگان دادگاه‌های فرمایشی در رژیم ولایتی به این پرسش پاسخی می‌شنوی و سیر جلسه‌های مدیریت شده محاکمه‌ها پاسخی به آن نمی‌دهد. اما برای همگان روشن است که این مقام‌های حکومتی بدون حمایت رأس هرم حاکمیت نمی‌توانند دست در جیب توده‌های مردم ببرند و اموال آنان و ثروت ملی را غارت کنند. دهه‌هاست که هزارگانه یک "فساد مالی بزرگ" در جمهوری اسلامی ایران "کشف" می‌شود و آن هم وقتی که رسوایی بالا می‌گیرد و ناگزیر از اعتراف به آن می‌شوند. فساد اداری یکی از بیماری‌های مزمن و کهنه نظام‌های استبدادی است. این پدیده در رژیم ولایت فقیه از نقض اصول اداری و حقوق شهروندان بر اساس قوانین خود همین رژیم فقط ناشی نمی‌شود، بلکه حاکم بودن نظام اقتصادی نولیبرالی و هماهنگی کامل آن با این فسادها نقش دارد. بی‌تیجه و مسخره بودن این گونه اقدام‌های نمایشی در قالب طنزهای ظریف و گزنده مردم نیز خود را نشان می‌دهد. وسعت فعالیت بنیادها و کمیته‌ها و نهادهای انگلی و کلاهبرداری با اسم‌هایی بی‌مسما و ماهیتی ضد مردمی، از نقش آن‌ها در فقر مردم و غارت ثروت اجتماعی حکایت می‌کند. از سوی دیگر، برای مردم زحمتکش ایران ثابت شده است که از دست این رژیم نه‌فقط کاری برای مردم ساخته نیست، بلکه فساد پوروری و فساد زایی جزو خصلت‌های این رژیم است. روزنامه فرهیختگان، ۲۵ مهرماه ۱۴۰۰، در گزارشی خبر داده است که "اطلاعات ارائه شده ۱۸ بانک بورسی نشان می‌دهد که در پایان سال ۱۳۹۹ تقریباً ۴ درصد از دارایی ۱۸ بانک به ارزش ۱۲۱ هزار میلیارد تومان به بخش املاک و مستغلات اختصاص دارد. بانک‌های موردنظر چیزی در حدود ۱۴ هزار فقره زمین و ساختمان با کاربری‌های متفاوت اداری، تجاری، مسکونی، کشاورزی و... به مساحت ۳۷ میلیون مترمربع دارند که ۹۶۲۹ فقره آن دارایی‌های ثابت بوده و ۴۱۰۷ فقره نیز دارایی‌های تملیکی است که بانک‌ها در ازای عدم پرداخت اقساط مشتریان خود آن‌ها را به‌تملک خود درآورده‌اند" [۱].

تنها چاره‌هایی از این وضعیت آشفته حاکم بر میهن ما که حاصلش فقیر شدن هر چه بیشتر توده‌های زحمتکش جامعه است، خلاص شدن از حکومت ظلم و جور ولایتی است. برای تحقق این امر تشکیل جبهه ضد استبدادی متشکل از همه نیروهای ترقی‌خواه برای طرد رژیم فقهانی ضرورتی عاجل و بی‌درنگ است.

## تأملی بر رویدادهای ایران



### فساد و رشوه‌خواری فراگیر و نهادینه‌شده در حکومت فقیهان!

دستگاه‌های حکومتی جمهوری اسلامی ایران و نهادهایش جزو فاسدترین دستگاه‌های کشوری در جهان می‌باشند. انجام کوچک‌ترین کار اداری یا قضایی در جمهوری اسلامی ایران اغلب بدون پرداخت رشوه پیش نمی‌رود. کسانی که کارشان به ادارات و راه‌شان به دفاتر قوه قضائیه می‌افتد با چنان کارشکنی‌هایی روبرو می‌شوند که جان بلب‌شان می‌رسد و با انزجار از چنین نظام اداری‌ای ناآرامد و فاسد به‌ناچارند-به‌قول کارچاق‌کن‌های همین دستگاه‌ها- "سرکیسه را شل کنند". اغراق نیست اگر گفته شود این درجه از فساد اداری در تاریخ کشوری معاصر میهن ما بی‌سابقه است. این وضع ناگزیر دیگر عرصه‌های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و جامعه را در تمامی سازوکارهای اجتماعی‌اش به سمت ازمندی و سودجویی فراگیر کشانده است. روزنامه اعتماد، ۱۴ مهرماه ۱۴۰۰، به افزایش شدید اختلاس و رشوه در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰ اشاره کرده و از قول سردار محمد مقیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی، نوشته است: "میزان اختلاس در شش‌ماهه نخست امسال از جهت پرونده‌های ۶۱ درصد، از جهت تعداد متهم ۹۴ درصد و از نظر ارزش ربالی ۳۳۴ درصد نسبت به شش‌ماهه سال گذشته افزایش داشته است. همچنین رشوه و ارتشاء نیز ۳۵۷ درصد نسبت به شش ماه [مشابه در] سال گذشته از نظر ارزش ربالی رشد داشته است." آماري که سردار مقیمی ارائه می‌دهد بر مبنای میزان اختلاس و رشوه‌هایی است که در قوه قضایی جمهوری اسلامی ایران علنی شده است. ناگفته پیداست که چندین برابر آنچه این مقام بر زبان می‌آورد، فساد و اختلاس وجود دارد که مأموران عالی‌رتبه حکومت آن را لاپوشانی می‌کنند. تردیدی نیست که هرگز به نهادی مستقل - اگر چنین نهادی وجود داشته باشد- اجازه تحقیق در این امر داده نشده است. فساد، رشوه‌خواری، و اختلاس با سرشت حکومت فقهانی عجین است. امروزه واژه‌های رانت‌خواری، اختلاس، رشوه، دزدی، چپاول، و غارت کاربردی روزمره پیدا کرده‌اند و معرف جریان امور در جمهوری اسلامی ایران شده‌اند. به‌گزارش روزنامه اعتماد، ۱۴ مهرماه ۱۴۰۰، مرتضی افقه، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید چمران، می‌گوید: "در نظام فقهی تنها شرب خمر و رعایت حجاب زنان بسیار مهم است، و برای این موضوع حتی زمانی که لازم باشد [مستولان حکومتی] خودشان به‌صورت مستقیم با آن برخورد می‌کنند. اما مجموعه فسادهای مالی و برخورد با آن را جزو وظایف دستگاه قضایی کشور می‌دانند."

روشن است که مبارزه با فساد فقط راه‌حل قضایی ندارد، بلکه به برنامه‌ریزی کارشناسانه برای ایجاد بستر اقتصادی سالم و مردمی و تغییر بنیادین در ساختار اقتصادی نیازمند است. باید با درهم شکستن ساختار کنونی و ایجاد تغییرهای بنیادی با استفاده از ابزارهای علمی، حقوقی، و عملی راه بروز و رشد هر نوع فساد و کژی را مسدود کرد و ساختار اقتصادی کشور را به سود اکثریت جامعه تغییر داد. اگر در بر همین پاشنه بچرخد، هر روز بیش از روز پیش اختاپوس هزارپای فساد کلوی اقتصاد میهن ما را در بازوهایش خواهد فشرد و بیش‌ازپیش رنج و مصیبت بر مردم کشورمان تحمیل خواهد شد.

بر اساس تصمیم اخیر کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، اطلاعات مربوط به اموال و دارایی‌های مسئولان کاملاً محرمانه و امنیتی باقی می‌ماند و به‌هیچ‌وجه نباید انتشار بیرونی پیدا کند. شبکه مدافعان حقوق بشر در ۲۶ مهرماه ۱۴۰۰ در سایت آزادگی با نقل سخنان مجتبی یوسفی، عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، بر این تصمیم یا قید محرمانه بودن از سوی "مجمع تشخیص مصلحت نظام" تأکید کرده است. این تصمیم کمیسیون قضایی مجلس جز تلاش برای لاپوشانی دزدی‌ها و ثروت‌اندوزی‌های بی‌حدوحصر مقام‌های حکومتی هیچ هدف و منظور دیگری ندارد.



## بحران‌های اقلیمی و رژیم ولایت فقیه

بحران‌های اقلیمی و آب و هوایی از بحران‌های عظیمی است که جامعه ایران را در بر گرفته و زندگی مردم را با مشکلات فراوانی روبرو کرده است. هوای آلوده شهرهای بزرگ، از جمله و به خصوص در تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد، و دیگر شهرها، مسئله ریزگردها و طوفان‌های شنی به خصوص در خوزستان و سیستان و بلوچستان که زندگی و سلامت ساکنین این نواحی را مدام تهدید می‌کند، به خشکی گرائیدن و نابودی منابع آب‌های شیرین و آشامیدنی، آلودگی خاک و نابودی زمین‌های کشاورزی تنها نمونه‌هایی از بحران‌های متعدد اقلیمی و آب‌و‌هوایی هستند که سراسر ایران را فراگرفته است. شدت این بحران‌ها به حدی است که مردم را به خیابان‌ها کشانده و اعتراض‌های اهالی و ساکنان مناطقی که زندگی در اثر این بحران‌ها در آن‌ها به شدت آسیب دیده است را روزی نیست که در گوشه و کنار کشور شاهد نباشیم. این بحران‌ها را نمی‌توان و نباید پدیده‌هایی خلق‌الساعه به حساب آورد که ناگهان در سپهر اقلیمی ایران وارد شده‌اند. درست برعکس، هرکدام از این بحران‌ها و نابسامانی‌ها حاصل سال‌ها مدیریت غلط و اعمال سیاست‌های سودجویانه از طرف حاکمان و قدرت‌مداران در سیستم حکومتی ایران است که مجموع آن‌ها و در طول زمان اوضاع را به جایی کشانده است که شاهد آنیم. امکان بررسی این بحران‌ها در یک مقاله و حتی در یک کتاب یا در چندین مقاله و کتاب نمی‌گنجد، ولی نمونه آنچه در خوزستان، این استان زرخیز ایران، گذشته است به علت حجم بالای اثرات مخربش، به خیابان آمدن و اعتراض‌های خشمگنانه مردم در این استان را موجب شد، در توضیح چگونگی شکل‌گیری و رشد این بحران‌ها می‌تواند مفید باشد.

"سالانه هشت میلیون تن نمک را در آبش حل می‌کنه و می‌فرسته خوزستان؛"  
 "سد گتوند را ساختند که آب شیرین کارون را شور کنن. امروز خوزستان داره ویران می‌شه؛"  
 "دو سوم اراضی خوزستان زیر سد گتوند که سالیانه هشت تا ده میلیون تن نمک اضافی وارد خاک می‌کنه..."  
 "این‌ها جنایت‌هایی است که در این سرزمین اتفاق افتاده؛" و او معتقد است که سازندگان آن باید محاکمه شوند.  
 لازم به یادآوری است که مقاطعه‌کار پروژه سد گتوند یک شرکت وابسته به قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران است که در زمینه بروز این فاجعه خودش را کاملاً بی‌تقصیر و مبرا از گناه می‌داند.

بدون شک حمله عراق به ایران و شروع جنگ و ادامه آن به مدت هشت سال در شروع بحران اقلیمی در این منطقه از کشور ما و همچنین کشورهای مجاور ایران در این منطقه نقشی قطعی داشته است. بمباران‌های جنگی و تخریب شهرها و روستاها، از بین رفتن مناطق وسیع کشاورزی، خشکاندن مناطق وسیع و برعکس ایجاد سیل‌های مصنوعی برای مغلوب ساختن دشمن، تغییر بافت طبیعی مناطق به منظور محافظت از نیروهای خودی، ایجاد مناطق وسیع مین‌گذاری شده، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و غیرشیمیایی آن هم برای مدت هشت سال متوالی، بدون شک در حیطه اقلیمی کشور به خصوص در استان خوزستان و مناطق مجاور آن اثرات تخریبی وسیعی داشته است. نکته‌ای که باید بر آن تأمل و توجه کرد آنکه امکان اینکه این جنگ در مدتی کم‌تر از دو سال و قطعاً پس از فتح خرمشهر خاتمه یابد وجود داشت، ولی ادامه آن به مدت شش سال دیگر زیر شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" و "راه قدس از کربلا می‌گذرد" تنها نشان دهنده نبود احساس مسئولیت از سوی حاکمان جدید ایران نسبت به جان و هستی و بهزیستی مردم ایران یا از دید حاکمان جدید "امور دنیوی" مردم ایران بود و آنچه برای آنان در درجه اول اهمیت داشت تثبیت اسلام و قدرت ایران اسلامی در مقام قدرتی منطقه‌ای و جهانی یا از دید آنان امری دینی و ماورای زندگی دنیوی بود. توجه به این پدیده مهم است، زیرا این پدیده‌ای است که حضورش را در سیاست‌گذاری‌های رژیم در حیطه‌های مختلف آن را همواره شاهد بوده‌ایم.

در به‌وجود آوردن فاجعه زیست‌محیطی در استان خوزستان می‌توان به علل دیگری از جمله انتقال آب از این استان به استان‌های مرکزی همچون اصفهان و کرمان در حجمی وسیع به منظور استفاده در صنایع از طریق ایجاد تونل‌های بسیار بزرگ و همچنین خشکاندن تالاب‌ها از جمله هورالعظیم به منظور کشف و استخراج نفت اشاره کرد که لازمه توضیح هر یک از آن‌ها به نگارش جستارهایی جداگانه نیازمند است.  
 نمونه سیاست‌های محیط زیستی و اقلیمی در خوزستان و به تبع آن ده‌ها سیاست ریز و کلان دیگر در سراسر کشور به روشنی نشان می‌دهد که منطق توسعه و سازندگی‌ای سیستماتیک و یکپارچه بر آن‌ها حاکم نیست و آنچه بیشتر در اجرای این پروژه‌ها مدنظر است اجرای کارهایی نمایشی است تا بتوانند در برابر منتقدین آن‌ها را به نمایش گذاشته و آنان را از نظر سیاسی و ایدئولوژیک خلع سلاح کنند. رهبران و سرکردگان رژیم به خوبی می‌دانند که به لحاظ بینش و بصیرت به عقب‌افتادگی‌ای لاعلاج دچارند و این مسئله آنان را به از دست دادن ته‌مانده اعتماد به نفس خود کشانده است. آنان از طریق اجرای این طرح‌های به اصطلاح سازندگی بیش از آنکه به دنبال سازندگی بنیادی و اساسی باشند در پی کسب مقبولیت بین مردم هستند.

در دوران پس از جنگ و به اصطلاح در "دوران سازندگی"، طرح‌های سازندگی‌ای کوچک و بزرگ در سراسر کشور طراحی و بعدتر به اجرا درآمد. از جمله مهم‌ترین طرح‌های این دوران طرح ساختمان سد گتوند است که در فاجعه زیست‌محیطی امروز استان خوزستان نقشی عمده داشته است. این سد در هشت کیلومتری شهر گتوند در استان خوزستان و در مسیر رود کارون احداث شده است. در جریان طراحی و ساختمان این سد بر طراحان و سازندگان آن به خوبی آشکار بود که این سد بر روی معادن وسیع نمک ساخته می‌شود. اما به رغم هشدارهای مکرر متخصصان در مورد بنا شدن این سد بر روی لایه‌های نمکی و فاجعه‌ای که در دست وقوع است، کار بر روی سد ادامه می‌یابد. با کمال تعجب راه‌حلی که برای برخورد با معادن و لایه‌های نمکی در زمین‌های مجاور سد پیشنهاد و اجرا می‌شود، احداث یک لایه از گل ژل بس بر روی دیواره‌های مجاور سد است. گویا آنانی که همچون راه‌حلی را پیشنهاد کرده بودند هرگز شعر "چشمه و سنگ" اثر معروف ملک‌الشعرای بهار که در کلاس پنجم دبستان تدریس می‌شود هرگز به گوش‌شان نخورده بوده است. ساختمان سد گتوند که در سال ۱۳۷۶ آغاز شده بود در سال ۱۳۹۱ به مرحله اگیری می‌رسد. تنها چند ساعت پس از شروع آگیری لایه‌های نمکی شروع به حل شدن در آب می‌کنند و فاجعه آغاز می‌شود. در ابعاد این فاجعه همان بس که آقای عیسی کلانتری (که از ابتدای انقلاب تا کنون در مقام‌هایی مختلف از جمله معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در دولت دوازدهم مشغول بوده است) می‌گوید: "گتوند بر روی یک کوه نمک صد میلیون تنی بنا شده است؛"

درد بی‌درمان دیگری که سیستم حکومتی در ایران به آن مبتلاست مسئله فساد به خصوص فساد مالی است. طرح‌های به اصطلاح عمرانی به حدی در فساد غرقه‌اند که گویی هدف از اجرای این طرح‌ها نه برخورداری مردم ایران از منافع این طرح‌هاست، بلکه هدف اصلی پر کردن جیب تمامی آنانی است که هر یک به نوعی دست‌اندرکار این طرح‌ها هستند.

نکته‌های مورد اشاره البته فقط به طرح‌های اقلیمی و عمرانی در کشور محدود نمی‌شوند. نگاهی به بیش از چهل سال حکمرانی ولایت فقیه در ایران از به‌وجود آمدن یک طبقه کم‌شمار از نظر جمعیت اما بسیار ثروتمند و قدرتمند در کشور حکایت دارد. از طرف دیگر و هم‌زمان با آن، یک طبقه بسیار پرشمار به لحاظ جمعیت اما تهیدست و کم‌توان در کشور شکل گرفته است که درحال حاضر توانایی فراهم آوردن خوراک روزانه خود و خانواده‌اش را هم حتی به آسانی ندارد. این شرایط نمی‌تواند ادامه یابد. همان‌طور که حزب توده ایران مدت‌هایی مدید است که مطرح کرده است، ایران برای گریز از اوضاع کنونی به تغییرات بنیادی‌ای دموکراتیک احتیاج دارد. این تغییرات تنها با دست‌های توانمند و متحد مردم ایران به خصوص طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور می‌تواند عملی شوند.

## ادامه حزب توده ایران از مشی سیاسی ...

هواداری از حزب توده ایران هستند، نه تنها به هیچ وجه غیرمنتظره نبود، بلکه موضوعی است که کمیته مرکزی حزب ما در نشست‌های اخیر خود، به خصوص پس از درگذشت رفیق زنده‌یاد علی خاوری، درباره آن بحث و گفت‌وگو کرده بود. تلاش دشمنان و مخالفان حزب در سی و هشت سال گذشته - پس از سرکوب خونین سازمان‌های حزب ما در یورش‌های سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ - در راه ایجاد تفرقه و دامن زدن به چنددستگی در صفوف حزب و تبدیل کردن حزب توده ایران به مجموعه ناهمگون به اصطلاح "طیف توده‌ای" پراکنده و بی‌خطر، و اتلاف انرژی حزب ما و منحرف کردن آن از وظیفه و مشی انقلابی‌اش در مبارزه با دیکتاتوری حاکم بر میهن ما و دفاع از منافع طبقاتی زحمتکشانش کشور بوده است. آن تلاش بدخواهانه همچنان ادامه دارد.

پرداختن به تک‌تک این گونه نوشته‌های هدفمند علیه حزب هشتاد ساله ما، نوشته‌هایی که مخلوطی از پریشان‌اندیشی سیاسی و فقر نظری است، در اینجا ضرورتی ندارد. هدف از نوشتار کنونی فقط پرداختن به هسته‌های اساسی تهاجم تبلیغاتی دهه‌های اخیر بر ضد حزب توده ایران از سوی کسانی است که برنامه اصلی آنها، برخلاف ادعایشان، نه دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و مبارزه ضدامپریالیستی، و نه حتی دفاع از خط مشی حزب توده ایران و رهبری آن در سه سال و اندی پس از انقلاب است.

تذکر این نکته نیز ضروری است که دستگاه‌های اطلاعاتی سپاه پاسداران در سال‌های اخیر از وسایل تبلیغاتی گوناگونی برای زیر فشار قرار دادن حزب و حمله به مشی ضددیکتاتوری و انقلابی آن استفاده کرده‌اند. کتاب "خاطرات کیانوری"، که در اساس متن بازجویی‌های شکنجه‌گران جمهوری اسلامی از رفیق کیانوری بود که با ویراستاری عبدالله شهبازی، کادر سابق حزب و همکار امروزی سپاه و حکومت جمهوری اسلامی است، منتشر شد؛ نامه کذایی "ا.ک" در سال ۱۳۷۳ و صدور فرمان شورش به توده‌ای‌ها بر ضد رهبری وقت حزب که توسط نشریه ضدحزبی "راه توده" منتشر شد و بعد روشن شد که از درون خانه امن اطلاعات سپاه به خارج فرستاده شده بود؛ و انواع و اقسام دیگر "خاطرات" و مصاحبه‌ها، همگی بخشی از برنامه‌ای واحد برای مختل کردن فعالیت انقلابی حزب ما بوده است که باید گفت این روزها نمادهای جدیدی پیدا کرده است.

پس از افشای نقش علی خدایی، گرداننده سایت "راه توده" (نامی که از یک نشویه سابق حزب توده ایران در دهه ۱۳۶۰ دزدیده شده است)، به خصوص در پی هشدار رفیق زنده‌یاد فرج‌الله میزانی (جوانشیر) از زندان که این فرد (یعنی خدایی) برخلاف ادعاهای دروغینش در مورد خروجش از ایران، در زندان بوده است و لذا از سوی سپاه به خارج اعزام شده است (هوشنگ اسدی نیز در خاطرات زندانش بر بودن علی خدایی در زندان صحه می‌گذارد)، "راه توده" علی خدایی کارت سوخته‌ای شد که باید برای آن جانشینی پیدا می‌شد. به نظر می‌رسد که این وظیفه این روزها به طور عمده به سایت "۱۰ مهر" واگذار شده است.

نکته جالب اینکه گردانندگان این سایت با آگاهی از بدنام بودن علی خدایی و "راه توده"، در نوشته‌ای به تاریخ ۲۳ مهر ۱۴۰۰ در واکنش به اعلامیه حزب توده ایران به مناسبت هشتاد سالگی حزب، ضمن اظهار بی‌اطلاعی از همه اسناد موجود و منتشر شده درباره علی خدایی و اعزامی بودن او از سوی اطلاعات سپاه، می‌نویسند: "چه چیز می‌تواند بیش از اعلام حضور عوامل نفوذی در میان توده‌ای‌ها، آن هم بدین شکل عام و بدون ذکر نام عناصر مشخص [در اعلامیه حزب]، به رشد عدم اعتماد در میان توده‌ای‌ها و چندپارگی بیشتر در صفوف حزب منجر شود؟"

فرهاد عاصمی در مصاحبه‌ای در ۲۴ خرداد ۱۳۹۹ با سایتی به گرداندگی خود به نام "توده‌ای‌ها"، پس از سال‌ها همکاری با علی خدایی و حتی مسکن دادن به او در خانه‌اش و به راه انداختن "راه توده" دوره دوم همراه با او، می‌گوید: "علی خدایی دارای اندیشه سیاسی نیست. از اندیشه سیاسی مارکسیستی نزد او که اصلاً خبری نیست. نوشته‌های او همگی توصیف وضع و بیان داده‌ها است... زیرا فاقد اندیشه سیاسی و تئوریک

مارکسیستی است... او یک کارچاق کن ماهر و یک پلیس پرونده‌ساز پروسواس است..." (تأکید از ماست)

در پی سوخت و بدنام شدن کارت "راه توده"، دستگاه‌های امنیتی سپاه پاسداران با فراخواندن علی خدایی به ترکیه، برنامه‌های دیگری برای او به عنوان نیروی پشت صحنه، برای برقراری در تماس در ایران تدارک دیدند. یکی از آن برنامه‌ها، که حزب ما از سال‌ها پیش به افشای آن پرداخت و درباره آن هشدار داد، تلاش برای تشکیل یک "حزب توده" دیگر با برنامه تأیید سیاست‌های رژیم ولایتی جمهوری اسلامی ایران و زیر ادعاهای رنگ‌باخته‌ای چون "ضدامپریالیستی" بودن این رژیم، و تلاش برای جلب عده‌ای به "عضویت در کمیته مرکزی" این "حزب" در حال ساختن بوده است. بعد از درگذشت زنده‌یاد رفیق علی خاوری، تلاش‌ها علیه حزب ما، با این خیال واهی که گویی حزب توده ایران متکی به یک فرد و فاقد رهبری جمعی است و اکنون آسیب‌پذیر شده است، جدی‌تر شد و حمله به حزب شکل عریان‌تری به خود گرفت. محورهای اصلی یورش تبلیغاتی، یا درست‌تر گفته باشیم، جنگ تبلیغاتی-روانی رژیم ولایتی و همدستان و هوادارانش علیه حزب توده ایران را در چند ادعای اینان می‌توان خلاصه کرد.

توده‌ای بودن یعنی ادامه همان سیاست "اتحاد و انتقاد" حزب با حاکمان جمهوری اسلامی در سه سال پس از انقلاب  
ادامه داشتن نبرد "که بر که" میان نیروهای مترقی و ارتجاعی در حکومت ایران، نفی وجود دیکتاتوری در ایران، و ضرورت دفاع از انقلابی که هنوز شکست نخورده است  
ضرورت نجات حزب توده ایران از شعار خانمان برانداز "طرد رژیم ولایت فقیه"

یورش ددمنشانه و گسترده حکومت ولایتی جمهوری اسلامی ایران به حزب توده ایران در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، که اکنون روشن شده است به طور عمده به وسیله اطلاعات سپاه پاسداران سازمان یافته بود. دشواری‌های عظیمی برای ادامه فعالیت حزب ما پدید آورد. ضربه‌های شدید تشکیلاتی که به از هم پاشیدگی برخی سازمان‌های حزبی منجر شد، در کنار تردیدهای بی‌شمار درباره درستی سیاست "اتحاد و انتقاد" حزب بر گرد "خط امام" در برخورد با جریان‌های سیاسی حکومت ولایتی و شخص خمینی و نحوه اجرای آن سیاست، و سپس نمایش دردناک میزگردهای تلویزیونی قربانیان شکنجه، از جمله معضله‌های بزرگی بودند که پیش روی رهبری نجات یافته از گزند گزندگان رژیم ولایتی قرار داشت.

حتی پیش از برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی در دشوارترین شرایط در آذر ۱۳۶۲، در زمانی که رفقای رهبری و اعضای حزب در زندان و زیر شکنجه‌های ددمنشانه بودند، تلاش سازمان‌یافته‌ای برای وادار کردن حزب به ادامه سیاست‌های پیشین و موضع‌گیری نکردن علیه رژیم ولایتی آغاز شده بود. در همان برهه، افرادی بودند مانند بابک امیرخسروی، که در نشست کادرهای حزبی در آلمان، در پاسخ به رفقای که می‌گفتند خمینی نیز مانند نمری در سودان به انقلاب خیانت کرده است و حزب باید در مقابل آن موضع‌گیری کند، می‌گفت (تقل به مضمون): "رفیق کیانوری گفته اگر از روی جسد ما هم رد شوند، ما خط امامی هستیم و شما امام خمینی را شناخته‌اید. این تاکتیک امام در مقابل جناح راست است و رفقا به دادگاه خواهند آمد و از حزب دفاع خواهند کرد و این به نفع حزب خواهد شد!"

تا همین امروز که طبل رسوایی دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران در هر شهر و خیابان زده شده است، این خط به شکل‌های گوناگونی ادامه یافته است. بروز امروزی و نظری این خط بر این ادعا متکی است که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایران شکست نخورده است و نباید گذاشت "به دست جناح راست" بیفتد! این چنین ادعاهایی، حتی اگر صادقانه و بی‌غرضانه هم باشد، که نیست، نشان از فقر نظری و کم‌اطلاعی از سرشت انقلاب و شناخت مراحل گوناگون تحول اجتماعی و توازن نیروها، و حتی سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های حزب پس از انقلاب بهمن دارد.

زنده‌یاد رفیق احسان طبری در مقاله‌ای با عنوان "برخی مسائل نظری مربوط به انقلاب ایران" (مجله دنیا، شماره ۵، ۱۳۵۸) در این باره از جمله می‌نویسد: "انقلاب ایران تا زمان تثبیت خود و ایجاد یک نظام نوین اجتماعی (در صورتی که نیروهای ضدانقلاب و راست‌گرا، یعنی بورژوازی لیبرال، نتوانند مسیر آن را مسخ کنند)، سه مرحله را از سر می‌گذرانند. مرحله یا فاز اول، که مرحله سرنگون ساختن استبداد سلطنتی بود با موفقیت انجام گرفت. ما درباره آن در شماره نخست این مجله سخن گفتیم. مرحله دوم، مرحله انتقالی "که بر که" است، یعنی روشن شدن این مطلب که کدام نیرو، نیروی رقیب را از صحنه خارج می‌سازد و تثبیت اجتماعی و اقتصادی را به سود خود برقرار می‌کند. و مرحله سوم، مرحله نوسازی اجتماعی است."

برای اثبات نظریه شکست نخوردن انقلاب و ادامه "نبرد که بر که" میان نیروهای پیشرو و ارتجاعی در درون حاکمیت، قاعدتاً باید

اعتقاد داشت که نیروهای پیشرو نمایندگان

## ادامه حزب توده ایران از مشی سیاسی ...

خرد بورژوازی یا "دموکرات‌های انقلابی" هنوز در درون حکومت کنونی وجود دارند و این نیروها (لاید "اصول‌گرایان" خامنه‌ای و رئیسی و احمدی‌نژاد و شاید حتی همتی!) همچنان در نبرد "که بر که" با بورژوازی لیبرال "جناح راست" (لاید روحانی و جهانگیری و "اعتدالیون") برای بالندگی انقلاب و گذر از مرحله انتقالی دوم، و شاید حتی پیش‌برد مرحله سوم، درگیرند و لذا باید با حمایت از این نیروها، از افتادن انقلاب به دست نیروی ضدانقلاب، که معلوم نیست کدام نیروست، جلوگیری کرد! نبرد "که بر که" ای که میان دو یا چند جریان یا نیروی حکومتی غارتگر ثروت ملی ایران، سرکوبگر آزادی‌خواهان، و پایمال‌کننده حقوق زحمتکشانشان است، نبردی نیست که حزب طبقه کارگر ایران بتواند از یکی از طرف‌های آن جانبداری کند. نکته جالب اینکه هیچکدام از طرفین درگیر در این "نبرد که بر که" موهوم نه تنها ضد امپریالیست نیستند بلکه همواره از منظر منافع اقتصادی و طبقاتی شان با سرمایه داری جهانی و تحمیل الگوی اقتصادی نولیبرالی بر میهن ما همسو بوده اند.

نخستین نماد روشن تبلیغ چنین نظریه‌ای در دهه ۱۳۷۰ را در نامه جعلی و کذابی "آ.ک" تنظیم‌شده توسط دستگاه اطلاعاتی سپاه پاسداران شاهد بودیم، که تلاش کردند آن را به‌عنوان تزه‌های مهم رفیق کیانوری برای نجات حزب به توده‌ای‌ها غالب کنند. آن نامه در "راه توده" علی‌خدایی (شماره ۲۴، شهریور ۱۳۷۳) منتشر شد. بعدها فرهاد عاصمی، همکار آن روزهای علی‌خدایی در "راه توده"، اعتراف کرد که این نامه از درون خانه امن سپاه پاسداران برای آنها ارسال شده بود: "رفیق گرمای علی‌خاوری هنگامی که نگارنده نوشتار دریافت کرده [نامه کیانوری] را پیش از انتشار در "راه توده"، در دیداری در برلین، در اختیار او گذاشت، [موقعیت را] تشخیص و نسبت به آن هشدار داد. رفیق خاوری ارسال نوشتار را توطئه سازمان اطلاعات نامید. نظریات سیاسی و تئوریک طرح شده در "راه توده" در سال‌های بعد از ۱۳۷۳ تا هنگام مرگ کیانوری، به صورت معمول ادامه یافت. بعد از مرگ اوست که علی‌خدایی بدون صحبت و توافق قبلی، رابطه‌های جدیدی را پایه ریخت که نشان ارتباط‌هایی بود که او به‌طور پنهانی برقرار نموده بود." (نقل از: پایگاه اینترنتی "توده‌ای‌ها"، ۱۷ مارس ۲۰۱۸)

هدف ارسال نامه "آ.ک" از درون خانه‌های امن سپاه به دست‌اندرکاران "راه توده"، در عین حال انتشار مانیفستی نظری-تشکیلاتی بر ضد موجودیت حزب توده ایران، رهبری آن، و سیاست‌های جاری‌اش بود که تا امروز همچون خط سرخ جنگ روانی-تبلیغاتی دستگاه‌های اطلاعاتی سپاه علیه حزب توده ایران ادامه داشته است. محتوای آن نامه و همه ادعاهای دیگر در سال‌های اخیر، در چند اصل مخرب خلاصه می‌شود:

۱. مبارزه با سیاست‌های نوین حزب توده ایران، یا به عبارتی روشن‌تر، نفی و بی‌اعتبار کردن سیاست "طرد رژیم ولایت فقیه" در حکم حلقه اصلی در زنجیر مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم. نامه "آ.ک" توده‌ای‌ها را به جدایی از سیاست "خانمان برانداز طرد ولایت فقیه" و "دفاع از انقلاب" فرامی‌خواند. (نگاه کنید به: نشریه "راه توده"، شماره ۲۴، شهریور ۱۳۷۳، صفحه ۱۲)

۲. زیر علامت سؤال بردن سیاست مبارزاتی حزب، به‌منظور حمایت از رژیم ولایت جمهوری اسلامی ایران زیر پوشش پیگیری "نبرد که بر که"؛ دفاع از جناح چپ حکومت اسلامی، و تأکید بر این وظیفه که "نه‌تنها خود باید از این جناح دفاع کنیم، بلکه باید تمام قدرت خود را به کار گیریم، تا سایر نیروهای انقلابی را نیز، اگر تردیدی دارند، متقاعد کنیم که به حمایت از آنها برخیزند." (همان جا)

۳. تشویق توده‌ای‌ها به صف‌شکنی و انشعاب از حزب با این شعار که "تاریخ فردا هیچ‌کس را مؤاخذه نخواهد کرد." (همان جا)

توجه به این نکته هم قابل اهمیت است که در همان دوره دشواری که حزب توده ایران تلاش خود را روی افشای این توطئه سهمگین دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی متمرکز کرده بود، وابستگان به رژیم فقیهان کارزار گسترده تبلیغات بر ضد نهادهای مرکزی حزب ما را آغاز کرده بودند. محتوای این کارزار حساب شده و تنظیم شده در مرکزهای امنیتی جمهوری اسلامی، عبارت بود از اینکه:

۱. رهبری کنونی حزب، با کیانوری و رهبری سابق مخالف است، و مقابله با این "سند" (نامه "آ.ک") فقط تسویه حساب شخصی است؛

۲. سیاست رهبری کنونی حزب در روبرویی با جمهوری اسلامی، عدول از سیاست‌های گذشته حزب و مصوبه‌های پلنوم هفدهم است؛ و



۳. سیاست رهبری کنونی حزب، نفی‌کننده مبارزه "که بر که" در ایران است، و به‌جای حمایت از "جناح چپ جمهوری اسلامی" (از دیدگاه نامه "آ.ک" و به نقل از آن)، به مبارزه با آن برخاسته است.

بد نیست اشاره کنیم که همه این مدعیان وفاداری به خط مشی گذشته حزب از جمله کسانی بودند که پیشتر حزب و رهبری آن را برای آغاز مبارزه مسلحانه بر ضد رژیم ولایتی زیر فشار قرار می‌دادند. سایت "۱۰ مهر" در همان مطلب پیش‌گفته در تاریخ ۲۳ مهر ۱۴۰۰ نوشت: "تختین امّاج این پرخورد [در اطلاعیه حزب توده ایران به مناسبت هشتاد سالگی تأسیس حزب] آن گروه از توده‌ای‌ها هستند که... همچنان به درستی مشی انقلابی رهبری کارکشته و پُر توان حزب توده ایران طی سال‌های ۱۳۵۷-۶۱ اعتقاد دارند، و با چرخش ایدئولوژیک و برنامه‌ای رهبری حزب در دوران پس از ضربه‌های جمهوری اسلامی به حزب توده ایران... مشکل دارند." برخی از همین گردانندگان سایت "۱۰ مهر" در گذشته‌ای نه‌چندان دور، نه‌تنها به اسناد حزبی در مورد به شکست کشاندن انقلاب و خیانت خمینی و انتقاد از برخی جنبه‌های سیاست‌های گذشته حزب رای موافق داده بودند، بلکه زمانی که در افغانستان بودند، ضمن دادن شعار سرنگونی، خواهان آغاز مبارزه مسلحانه حزب با رژیم ولایتی ایران بودند. علی‌خدایی و همکارش در افغانستان به نام "اردشیر"، که امروز یکی از دست‌اندرکاران سایت "۱۰ مهر" است، از زمره افرادی بودند که در آن زمان حزب و رهبری آن را برای آغاز مبارزه مسلحانه بر ضد رژیم ولایتی زیر فشار گذاشته بودند. (این نام‌ها را ذکر می‌کنیم چون در نوشتارهای متعدد این افراد به کار برده شده و پخش وسیع نوشته‌هایشان با این نام‌ها بوده است.) همچنین، بر خلاف ادعاهای این افراد درباره دفاع از خط‌مشی حزب در سال‌های آغازین پس از انقلاب و ضرورت ادامه آن در شرایط کنونی، باید گفت که هر دو این افراد [یعنی خدایی و اردشیر] از شرکت‌کنندگان در کنفرانس ملی حزب در سال ۱۳۶۵ بودند که به شعار "سرنگونی" طرح شده در اسناد کنفرانس، و همچنین به سندی که از سیاست‌های حزب در دوره فعالیت علنی-نیمه‌علنی حزب پس از انقلاب انتقاد می‌کرد، رای موافق دادند. (لازم است اشاره کنیم که شعار سرنگونی نخستین بار در اردیبهشت ۱۳۶۴ در اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) عنوان شد که در "نامه مردم"، شماره ۴۸ درج است.)

اشاره به این موضوع هم مهم است که دو دست‌اندرکار "۱۰ مهر"، با نام‌های اردشیر و افشین، از شرکت‌کنندگان و فعالان سومین کنگره حزب توده ایران بودند. از مهم‌ترین کارهای ایدئولوژیک-نظری آنها در جریان کنگره سوم، تنظیم قطعنامه‌ای برای حذف عنصر "دموکراسی" از اصل "مرکزیت دموکراتیک" در عمل، و تمرکز بر اصل "مرکزیت" در اساسنامه حزب بود. به گفته آنان، برای حفظ حزب از حمله‌های دشمن، فعلاً باید اصل دموکراسی در درون حزب را تعطیل کرد. البته این قطعنامه بحث‌انگیز با مخالفت شماری از رفق و به‌ویژه زنده‌یاد رفیق خاوری روبه‌رو، و از اسناد کنگره کنار گذاشته شد.

## ادامه حزب توده ایران از مشی سیاسی ...

در پی برگزاری چهارمین پلنوم کمیته مرکزی (آذر ۱۳۷۳) پس از سومین کنگره حزب توده ایران، موج جدیدی از یورش تشکیلاتی-تبلیغاتی علیه حزب آغاز شد. هیئت اجرایی کمیته مرکزی وقت، "سند مفصلی" شامل ۱۶۷ تز درباره همه مسائل جهان و ایران را به عنوان سندی داخلی برای بحث و مقابله با "خط راست" در رهبری حزب، از "افشین و اردشیر" دریافت کرد، که به اعتقاد رهبری وقت حزب، با هماهنگی گردانندگان "راه توده" تنظیم شده بود. در حالی که نامه نگاران به رفیق زنده یاد علی خاوری گفته بودند که آن سند اکیداً سندی درون حزبی است، نشریه "راه توده" پس از مدتی کوتاه در شماره ۳۱، فروردین ۱۳۷۴، مدعی شد که این سند و همچنین پاسخ هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب به دستش رسیده است. شباهت‌های اعجاب انگیز آن ترها با مضمون همان نامه کذایی "آک" جای شک و شبهه‌ای در مورد ماهیت و هدف‌های آن حرکت باقی نمی گذاشت.

از جمله تهرای جالب مطرح شده در آن سند، تز شماره ۱۲۶ بود که مدعی بود: "... نهاد ولایت فقیه... در مراحل اولیه انقلاب، یعنی پیش از تغییر تعادل نیروهای طبقاتی ارتجاعی، علی‌رغم برخی محدودیت‌ها عمدتاً در جهت منافع توده‌های میلیونی زحمتکشان و اقشار میانی جامعه حرکت می‌کرد..."

و در تز شماره ۴۱ آمده بود: "با برکناری بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری، آخرین بقایای بورژوازی ملی-لیبرال از حاکمیت حذف شدند. با خروج بورژوازی لیبرال، ترکیب طبقاتی نیروهای درون حاکمیت به جناح قدرتمند مذهبی نماینده طبقات میانی و پایینی جامعه و همچنین بورژوازی تجاری که هنوز چندان قدرتمند نبود، محدود شد... سلطه جناح‌های مذهبی نماینده طبقات میانی و پایینی جامعه بر حاکمیت، به رادیکالیزه شدن هرچه بیشتر حاکمیت و سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی، هم از نظر داخلی و هم از نظر بین‌المللی، انجامید. این رادیکالیزه شدن حاکمیت، زنگ خطر جدی را نزد دولت‌های امپریالیستی به صدا در آورد. این خطر به چند دلیل برای دولت‌های امپریالیستی ملموس بود. نخست، خروج نیروهای میانه‌رو از حاکمیت جمهوری اسلامی، امید امپریالیسم را برای متوقف کردن روند انقلاب از درون به یاس بدل کرد... سوم، رادیکالیزه شدن حاکمیت می‌توانست زمینه‌های اتحاد آن با نیروهای چپ و کمونیست در ایران را تقویت کند...!! (تأکیدها از ماست).

پس از انتشار این ترها، دو فرد گرداننده سایت "۱۰ مهر" نامه‌ای در ۵۶ صفحه برای هیئت اجرایی فرستادند و خواستند که این نامه در اختیار کمیته مرکزی قرار گیرد. هم ترها و هم نامه ۵۶ صفحه‌ای "اردشیر و افشین" همراه با پاسخ هیئت اجرایی در اختیار کمیته مرکزی حزب قرار گرفت. هیئت اجرایی در پاسخ به نامه ۵۶ صفحه‌ای نام‌برداران به کمیته مرکزی در خرداد ۱۳۷۴ از جمله نوشت: "نویسندگان نامه، هیئت اجرایی را که نظرات خود را درباره "تز" های قبلی این رفقا در اختیار کمیته مرکزی قرار داده بود و برخی از آنها را نادرست اعلام کرده بود، به "دروغ‌گویی"، "سفسطه"، "تجاهل"، "خواب بودن و خرناس کشیدن"، "انحصارچو"، "قدرت‌طلب"، "شعبه‌باز"، "لجن‌پاش"، "متقلب"، "اتهام کثیف‌زن"، "جو‌ساز"، "دموکرات سینه‌چاک دیروز [که به] دیکتاتور وحشتناک امروز بدل شده‌اند"، "سیاست‌باز"، رفتار "شرم‌آور"، "همکار کیهان لندن و نیمروز"، "کائوتسکی"، "ذخیل بستن به نیروهای وابسته به امپریالیسم" و... متهم کرده‌اند. "هیئت اجرایی در ادامه پاسخ‌نامه خود از جمله به این نکته کلیدی هم اشاره کرد: «رفقای نویسندگان نامه در پایان نامه خود... در عین حال یادآور می‌شوند که "هدف ما از نوشتن این نامه نیز روبرواری شخصی با این یا آن رفیق ارگان رهبری حزب نیست... ما در این مسئله لحظه‌ای تردید نداشته‌ایم و نداریم که رفقای که امروز علی‌رغم همه مشکلات تاریخی و فشارها و ضربه‌ها همچنان در درون صفوف حزب باقی مانده‌اند و به مبارزه و پیگیری [آرمان‌های حزب خود ادامه می‌دهند، همگی بدون استننا صلاحیت و صداقت انقلابی خود را به اثبات رسانده‌اند...» (از نامه "اردشیر و افشین"، ص ۵۴)

هیئت اجرایی حزب در انتهای پاسخ خود اضافه می‌کند: "در سنگر مبارزه در صفوف حزب توده ایران، حزب شهدا، حزب ده‌ها هزار سال زندان، شکنجه، اعدام، و فداکاری‌های کم‌نظیر و اسطوره‌ای، تعارف‌های ظاهری و بی‌محتوا جایی ندارد. چگونه می‌توان کسانی را "لجن‌پاش"، "اتهام کثیف‌زن"، "دیکتاتور وحشتناک"، "همکار کیهان" سلطنت‌طلب و رضا پهلوی، "ذخیل‌بند

به نیروهای امپریالیستی"، و بالاخره "همکار رادیو اسرائیل و ارگان‌های امپریالیستی" قلمداد کرد و در عین حال در "صلاحیت و صداقت انقلابی" آنها شک نکرد!!!... مدهش‌تر از همه اینکه چگونه کسانی [می‌توانند] نسبت به اعضای هیئت اجرایی از کنگره سوم به بعد دارای چنین نظرانی باشند و در عین حال در رأی‌گیری برای عضویت در این ارگان، به همان اشخاص رأی بدهند؟!!"

با وجود همه مسائلی که به آنها اشاره شد، "اردشیر" برای شرکت در جلسه ویژه‌ای در چهارمین کنگره حزب دعوت شد و در این جلسه حضور یافت تا نظراتش را با نمایندگان آن کنگره در میان بگذارد. وی پس از سخنرانی‌اش، که تکرار همان تهرای پیش گفته بود، حاضر نشد درباره همکاری با "راه توده" علی‌خدایی و ارسال اسناد درون حزبی به او، به سؤال‌های مشخصی که همراه با مدرک در آنجا ارائه شده بود، پاسخی بدهد. از جمله از "اردشیر" سؤال شد که چگونه متن ویراستاری نشده مصاحبه رفیق خاوری که به جز دو رفیق هیئت اجرایی و "اردشیر" (به‌خاطر کار در نشریه مرکزی حزب "نامه مردم") کسی به این مطالب در حال ویراستاری دسترسی نداشت، به دست علی‌خدایی رسیده است. نشریه "راه توده" در شماره ۳۱ فروردین ۱۳۷۴ خود در این باره از جمله نوشته بود: "از شماره ۴۳۷ "نامه مردم" که در آن مصاحبه صدر کمیته مرکزی چاپ شده است، دو نسخه سانسور شده و سانسور نشده برای "راه توده" پست شده است..."

در پایان آن جلسه، نمایندگان کنگره با اکثریت مطلق به اخراج "اردشیر" از حزب توده ایران به دلیل نقض مقررات کار تشکیلاتی رأی دادند.

در مورد دیگر دست‌اندرکار سایت "۱۰ مهر" به نام "افشین"، همچنین باید اشاره کرد و این هشدار را داد که وی در سال ۱۳۹۷ (۳۱ اکتبر تا ۳ نوامبر ۲۰۱۸) به عنوان نماینده شورای صلح آمریکا در هیئت "شورای جهانی صلح" از طریق لبنان به سوریه سفر کرد، یعنی به کشورهایی مسافرت کرد که سپاه پاسداران نفوذ امنیتی چشمگیری در آنها دارد و چنین رفت‌وآمدهایی نمی‌تواند از چشم آنها پنهان بماند. حضور یک ایرانی‌الاصیل در سوریه و ملاقات او با مقام‌های دولتی نمی‌تواند بدون کسب مجوز از مقام‌های امنیتی این کشور باشد. در امر ورود و خروج اتباع و متولدان ایرانی مقیم خارج به سوریه، مقام‌های سوریه با نیروهای برون‌مرزی سپاه پاسداران مستقر در سوریه هماهنگی کامل دارند و این رفت‌وآمد بدون اطلاع و مجوز سپاه نمی‌تواند صورت بگیرد. بنابراین، این سؤال مطرح است که آن سفر و ارتباطات چگونه صورت گرفته است؟ یا توجه به این موضوع، آیا انتشار بیانیه "هیئت تحریریه سایت ۱۰ مهر" در ۱۵ دی ۱۳۹۸ درباره ترور قاسم سلیمانی قابل تأمل نیست؟ در بخشی از این بیانیه درباره ترور قاسم سلیمانی، فردی که نقش مستقیم در سرکوب مبارزات مردم ایران و همچنین مبارزات نیروهای مترقی منطقه از جمله در عراق داشته است، می‌خوانیم: "قاسم سلیمانی چهره‌ای ملی بود که نقشی فعال در جهت دادن و سازمان‌دهی مقاومت در برابر سیاست‌های آمریکا و نیروهای مرتجع در سطح منطقه داشت. از لبنان و سوریه و یمن تا افغانستان و فلسطین، عرصه حضور فعال او در برابر توسعه‌طلبی و تجاوزگری ایالات متحده و متحدین منطقه‌ای آن بود. او نقشی بی‌همتای در سازمان‌دهی مبارزات متفرق و پاره‌پاره مقاومت در سطح منطقه ایفا کرد." (تأکیدها از ماست)

در مورد هماهنگی دست‌اندرکاران "۱۰ مهر" و علی‌خدایی گرداننده "راه توده"، فرهاد عاصمی در گفت‌وگوهایش با دو نفر دست‌اندرکار "۱۰ مهر" که در سایت "توده‌های ما" ۱۸ تیر ۱۳۹۹ منتشر شده است، از جمله می‌گوید: «دو رفیق نویسنده در نوشتار خود هفت بار رابطه من را که در سال‌های معینی با علی‌خدایی برقرار بود، با فرمول "به کمک علی‌خدایی و راه توده" مشخص می‌کنند. ولی درباره محدودیت زمانی آن و این واقعیت که سال‌هاست به کلی وضعی دیگر برقرار است، سکوت می‌کنند. این در حالی است که موضوع سیاسی علی‌خدایی، یعنی همان "موضوع مان" یعنی موضع دو فرد گرداننده ۱۰ مهر نزد او و موضع این رفقا، از نظر مضمونی در تمام سال‌های اخیر انطباق دارد... برای روشن‌گری درباره این انطباق موضع میان جریان "۱۰ مهر" و علی‌خدایی، نمی‌بایستی به ذکر این نکته پرداخت که در دوره اقامت در افغانستان، میان رفیق ۱۰ مهری و علی‌خدایی نزدیک‌ترین رابطه برقرار بوده است..."

کوتاه سخن! ما اکنون مدت‌هاست که مطلع‌ایم تماس‌هایی میان گردانندگان سایت‌های "۱۰ مهر"،



ادامه برگزاری سمینار بین‌المللی حزب‌های ...

حزب زحمتکشان مترقی قبرس (اَکَل)، دو عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست سودان، یک عضو رهبری حزب کمونیست لبنان، و یک عضو کمیته مرکزی و مسئول روابط بین‌المللی حزب کمونیست عراق، و دو تن از اعضای کمیته مرکزی و هیئت سیاسی حزب توده ایران شرکت داشتند. به دعوت حزب توده ایران، رفیق لیز پین، عضو هیئت سیاسی و صدر حزب کمونیست بریتانیا، گرداننده این سمینار موفق بین‌المللی بود. اعضا و برخی از رهبران دیگر حزب‌های کمونیست و کارگری جهان نیز در میان حاضران در این سمینار آنلاین بودند که با پیام همبستگی خود، از برگزاری چنین سمیناری استقبال کردند.

سمینار با خوشامدگویی و تیریک رفیق لیز پین (Liz Payne) به مناسبت هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، و سپس پخش سرود چهارم حزب توده ایران شروع شد. پیش از شروع سخنرانی‌ها، یاد و خاطره همه رفقای توده‌ای که در این هشت دهه در مسیر مبارزه در راه تحقق صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و پیشرفت جان باخته‌اند، گرمای داشته شد.

در نخستین بخش سمینار، رفیق لیز پین پس از توضیح شمای کلی سمینار و چگونگی برگزاری آن، به معرفی پروفیسور یرواند آبراهامیان، سخنران مهمان این سمینار علمی پرداخت. دکتر آبراهامیان، پروفیسور تاریخ در کالج باروک (Baruch) و مرکز کارشناسی ارشد در City University of New York، در سال ۱۹۴۰ در تهران، در خانواده‌ای ارمنی-ایرانی به دنیا آمد. وی از چهره‌های شناخته‌شده جهانی و صاحب‌نظر در زمینه تاریخ و مسائل سیاسی ایران مدرن است. دکتر آبراهامیان تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه آکسفورد در انگلستان آغاز کرد. وی دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه کلمبیا در آمریکا به پایان رساند و در سال ۱۹۶۹ با ارائه پایان‌نامه‌ای با عنوان "پایه‌های اجتماعی سیاست در ایران - حزب توده ایران ۱۹۵۳-۱۹۴۱" موفق به دریافت دانشنامه دکتری خود شد. کتاب‌های "ایران بین دو انقلاب"، "خمینیسم - مقالاتی در مورد جمهوری اسلامی ایران"، "اعتراف‌های زیر شکنجه - زندان‌ها و توبه در ایران"، "کودتای ۱۹۵۳" و "تاریخ ایران مدرن" از جمله آثار تألیفی دکتر آبراهامیان است که اکثراً به فارسی نیز ترجمه شده‌اند.

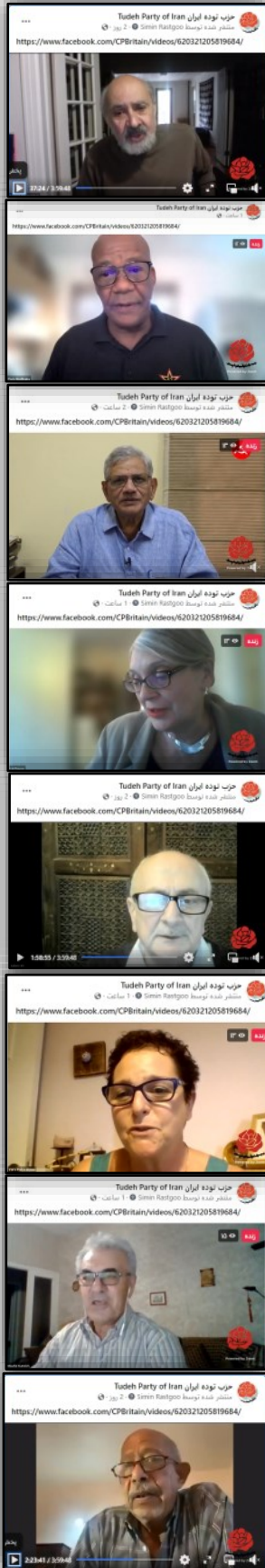
پروفیسور آبراهامیان در سخنان خود به علل موفقیت حزب توده ایران در نخستین دوره فعالیتش پس از پایه‌گذاری، یعنی در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، در ایجاد جنبش اجتماعی دموکراتیک در ایران پرداخت. وی در معرفی خویش به عنوان تاریخ‌نگار ایران مدرن و پژوهشگر در مورد نیروهای مترقی ایران توضیح داد که قصد دارد با تمرکز کردن بر برهه پس از جنگ جهانی دوم نشان دهد که چرا و چگونه حزب توده ایران در آن بازه زمانی، در شکل دادن به جنبش وسیع توده‌یی اجتماعی بسیار موفق بود. وی همچنین گفت که به این موضوع خواهد پرداخت که چرا در دوره بعدی فعالیت حزب شرایط تغییر کرد، و به‌ویژه اینکه شرایط برهه شکل‌گیری انقلاب بهمین ۱۳۵۷ با وضعیت در دوره دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ بسیار متفاوت بود. پروفیسور آبراهامیان تأسیس و رشد سریع حزب توده ایران در برهه ۱۳۳۲-۱۳۲۰ در حکم یک جنبش توده‌یی بسیار وسیع را مرتبط به پایگاه اجتماعی حزب در میان دو گروه اجتماعی اصلی، یعنی روشنفکران و طبقه کارگران، و انکای حزب به این دو گروه دانست. وی گفت که هر صاحب نامی در این دوره، از میان روشنفکران، هنرمندان، و روزنامه‌نگاران، یا در حزب بود یا رابطه نزدیکی با حزب داشت. در مورد پایگاه اجتماعی حزب در میان طبقه کارگر، دکتر آبراهامیان با اشاره به فعالیت مؤثر حزب در زمینه اتحادیه‌های کارگری و اینکه این اتحادیه‌ها به سرعت در سطح ملی متشکل شدند و به شکل جنبشی توده‌یی گسترش یافتند، گفت: "اوج آن را می‌توان در دو اعتصاب سراسری در سال ۱۹۴۶ و به‌خصوص در سال ۱۹۵۱ دید که موجب ملی شدن صنعت نفت شد."

پروفیسور آبراهامیان در مورد محبوبیت عمومی و موفقیت حزب توده ایران در دوره زمانی ۱۳۳۲-۱۳۲۰ به استناد تاریخی، پنج عامل مؤثر در این روند را برشمرد: (۱) حزب آغازگر گفت‌وگو مبارزه با "طبقه‌های بالایی" (زمین‌داران،

بورژوازی بزرگ، و نظامیان) بر اساس "تضاد طبقاتی" بود؛ (۲) حزب مبشر ایده‌های "عصر روشنگری" برگرفته از انقلاب‌های فرانسه (۱۷۹۹-۱۷۸۹)، روسیه (۱۹۱۷)، و مشروطیت (۱۹۰۶) بر محور حقوق فردی و اجتماعی و تلفیق آنها با حقوق اقتصادی-اجتماعی بود، و برای مثال، شعار معروف "نان، کار، آزادی" را مطرح کرد؛ (۳) حزب در تقابل با دیدگاه و تبلیغات ناسیونالیستی فاشیستی، نژادپرستانه، و آریاگرایی میراث رژیم رضاشاه، بر میهن‌دوستی با احترام به "هویت ایرانی" و ملی‌گرایی بر مبنای ضدنژادپرستانه، از جمله با ارجاع به فرهنگ شاهنامه، نوروز، یا مزدک تأکید داشت؛ (۴) حزب مبتکر بی‌ریزی نخستین سازمان‌های حزبی (با مفهوم نوین) قوی و قابل‌دوام، و دارای انتخابات، رهبری منسجم، و بحث‌های آزاد در کنگره بود، و هنوز هم تنها حزب باقی‌مانده در ایران با این مشخصه‌هاست؛ و بالاخر، (۵) باز شدن جو سیاسی در دوره ۱۳۲۰-۱۳۳۲ پس از فروری استبداد رضاشاهی.

در همین زمینه، پروفیسور آبراهامیان بر این واقعیت انگشت گذاشت که هنوز هم ایران عاری از حزب‌های سیاسی واقعی است که دارای تشکیلات، انتخابات، و مرکزیت دموکراتیک باشند. وی در ادامه گفت: "در ایران احزاب عموماً بر محور شخصیت‌ها و افراد شکل می‌گیرند و هرگاه شخصیت یا فردی سیاست را ترک یا فوت می‌کند، آن حزب نیز از بین می‌رود. اما حزب توده ایران هشتاد سال زنده مانده است چون تأکیدش بر اهمیت سازمان‌یافتگی بر اساس مرکزیت دموکراتیک بوده است." وی سپس در جواب پرسشی که خودش در زمینه چرایی رشد نکردن جنبش اجتماعی به انقلاب، در مقطع قبل از کودتای ۱۳۳۲، مطرح کرد، گفت که در انقلاب‌هایی چون انقلاب‌های فرانسه و روسیه، حاکمیت دچار فروپاشی شد، ولی در مقطع سال ۱۳۳۲، در ایران چنین چیزی اتفاق نیفتاد.

ایشان سپس به اوضاع قبل از انقلاب ۱۳۵۷ پرداخت و علت رشد نیروهای مذهبی و هواداران خمینی را در گرایش عمومی آن زمان به "بازگشت به ریشه‌ها" دانست، که تفاوت بزرگی در رخدادهای دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در مقایسه با دو دهه قبل از آن بود.



## ادامه برگزاری سمینار بین‌المللی حزب‌های ...

پروفسور آبراهامیان پس از سخنرانی خود به چندین پرسش حاضران در اتاق مجازی پاسخ داد. و در پاسخ به پرسشی در مورد میراث ماندگار حزب توده ایران در دوره زمانی مورد اشاره در سخنرانی اش در سمینار [سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰] در پیوند با سیاست و جامعه امروز ایران، اظهار داشت: پژوهشگران جوان ایرانی و طرفداران چنین ایده‌هایی در ایران [شاید این را ندانند] که ایده‌آل‌ها و مفاهیم انقلاب و روشنگری فرانسه- ایده‌آل‌هایی که در ایران کنونی در زمینه سیاست مدرن و جامعه (از جمله جدایی دین از حکومت و مفاهیم حقوقی) مورد بحث و توجه است- در واقع نخستین بار در ایران توسط حزب توده ایران و پیشینیان این حزب [اجتماعیون عامیون، حزب عدالت، و حزب کمونیست ایران] مطرح شد و امروزه این میراث ماندگار آنهاست.

در ادامه برنامه، رفیق نوید شمالی، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران صحبت کرد که متن کامل آن در همین شماره نامه مردم منتشر شده است. سخنران بعدی رفیق کریس متلهاکو (Chris Matlhako)، معاون دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی بود که درباره زمینه و عمده‌ترین جنبه‌های مطرح در انقلاب ملی-دموکراتیک که هدفی مرحله‌یی در برنامه حزب برای رسیدن به سوسیالیسم است سخن گفت. متن کامل سخنان رفیق متلهاکو در شماره‌های آینده نامه مردم منتشر خواهد شد.

سپس نوبت به رفیق ورا پولیکارپو (Vera Polycarpou)، عضو رهبری حزب مترقی زحمتکشان قبرس- اکل (AKEL) رسید که با اشاره به ضرورت پایه‌ریزی اتحاد‌های موفق به منظور پایان دادن به اشغال نیمه شمالی آن کشور توسط ترکیه عضو ناتو، که از تابستان سال ۱۹۷۴ تا کنون ادامه داشته است، درباره سیاست‌های کمونیست‌های قبرسی در عرصه ایجاد و فعالیت این اتحاد‌ها سخن گفت که حاوی نکات ارزنده‌ای بود.

رفیق سلام علی، عضو کمیته مرکزی و مسئول روابط بین‌المللی حزب کمونیست عراق سخنران بعدی سمینار بود. وی در مورد موضوع‌های گوناگون مورد توجه حزب برادر در مبارزه جاری اش، به‌ویژه در دو دهه اخیر، صحبت کرد، که از آن جمله است: اهمیت بسیج کردن جنبش‌های اجتماعی و تقویت ساختاری و سازمان‌دهی آنها؛ تجربه عملی حزب کمونیست عراق در دو سال گذشته، از شروع جنبش اعتراضی علیه دولت عراق، که عملاً در نتیجه توافق و سازش بین بلوک‌های مذهبی و قومی، به قدرت‌گیری آنها منجر شد؛ و مبارزه کمونیست‌های عراقی برای حاکم کردن قانون و نهادهای قانونی و پایان دادن به قدرت نهادهای حکومتی مذهبی و قومی، و استقرار دموکراسی.

رفیق مفید کوتیش (Mofid Kuteish)، عضو رهبری حزب کمونیست لبنان، سخنران بعدی بود که درباره برنامه حزب برادر در مورد انقلاب ملی و دموکراتیک در شرایط مشخص لبنان و ویژگی‌های آن به نکته‌های ارزنده‌ای اشاره کرد. ترجمه متن کامل سخنان رفیق کوتیش به‌زودی از سوی حزب توده ایران منتشر خواهد شد. در ادامه، رفیق فتحی الفضل (Fathi El-fadl)، سخن‌گوی رهبری حزب کمونیست سودان، و رفیق سیتارام یچوری (Sitaram Yechury)، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست) صحبت کردند و در چارچوب تجربه‌های غنی حزب‌های خود، و بر پایه شرایط مشخص سودان (که بسیار شبیه به شرایط ایران است) و هند، در مورد ضرورت انقلاب ملی-دموکراتیک در شرایط ویژه و بسترهای لازم برای موفقیت آن سخن گفتند که یکی از موضوع‌های بحث سمینار بود.

رفیق سیتارام یچوری بیشتر دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند، بزرگ‌ترین تشکل دانشجویی آن کشور، و از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ عضو پارلمان هند بوده است. وی در سخنرانی خود در این سمینار، نخست به نمایندگی از حزب کمونیست هند (مارکسیست) بار دیگر هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را تبریک گفت. او سپس با اشاره به تاریخ تشکیل حزب‌های کمونیست در کشور های آسیایی، از جمله حزب‌های کمونیست در هند، ایران، و چین، ضمن یادآوری نقش امپریالیسم و ارتجاع در سرکوب جنبش‌های ملی و دموکراتیک، به بررسی مختصر این جنبش‌ها و

انقلاب‌های دموکراتیک-ملی پرداخت. رفیق یچوری خاطر نشان کرد که برای شناختن مراحل گوناگون انقلاب "لازم است آنچه را که لنین به ما آموخت در نظر داشته باشیم که هیچ راه میانبری برای ساختن سوسیالیسم و کمونیسم وجود ندارد، و اینها باید مرحله به مرحله ساخته شوند؛ چه از نظر شالوده اقتصادی جامعه و چه از نظر آگاهی افرادی که خود را برای انقلاب سوسیالیستی آماده می‌کنند. این به معنای بازگشت به اصل لنینیستی تحلیل مشخص از شرایط عینی مشخص است، که اصل یوایی دیالکتیکی است... هنگامی که مارکس و انگلس مانیفست را به ما دادند، این مطلب را نیز به ما آموختند که گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم از پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری آغاز می‌شود، زیرا نیروهای مولد در این کشورها به چنان تکاملی رسیده‌اند که باید از محدوده مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری آزاد شوند، و این، همان مرحله انقلاب سوسیالیستی است."

وی در ادامه صحبت‌هایش به طور خلاصه از کشف پدیده انباشت سرمایه توسط مارکس، و روند ایجاد سرمایه‌داری انحصاری و پیدایی امپریالیسم که لنین به آن پرداخت، صحبت کرد و گفت چنین بود که مارکسیسم-لنینیسم شکل گرفت. رفیق یچوری در بررسی امکان گذار کشورهای توسعه‌نیافته به سوسیالیسم، از اهمیت مراحل متفاوت انقلاب و لزوم تکامل نیروهای مولد به عنوان پیش شرطی برای گذار به سوسیالیسم سخن گفت: "تا زمانی که این مراحل را پشت سر نگذاریم، ما و هیچ جنبش کمونیستی در موقعیتی نخواهیم بود که در انقلاب سوسیالیستی پیروز شویم. این مفهوم دارای اهمیت است، ولی در عین حال می‌تواند در روند دستیابی به انقلاب دموکراتیک به عنوان مقدمه‌ای برای گذار به سوسیالیسم، در برخی مستعمره‌های سابق با موانعی نیز همراه شود. در این زمینه نظریه‌ها و مفاهیم متفاوتی به وجود آمد که هم حزب توده ایران و هم حزب کمونیست هند (مارکسیست) در مبارزات خود به کار گرفتند. زمانی نظریه‌ای مطرح شد مبنی بر اینکه در دوره پس از جنگ جهانی دوم، می‌توان مرحله سرمایه‌داری را دور زد و از مرحله نیمه‌فئودالی یا از اقتصاد و جامعه‌ای عقب‌مانده به سوی سوسیالیسم حرکت کرد. با نگاهی به آنچه گذشت، نادرستی این نظریه ثابت شد. حتی کشورهایی با انقلاب‌های سوسیالیستی موفق نیز ناچار شدند از تجربیات خود درس بگیرند و از طریق انجام اصلاحات، نیروهای مولد خود را توسعه دهند. اصلاحاتی که در چین از زمان دنگ شیائو پینگ انجام شد، و نتیجه آن برای همه ما موجود است، دقیقاً چنین ماهیتی داشت. دقیقاً به همین دلیل بود که لنین از سیاست جدید اقتصادی (نپ) در راه ایجاد، تحکیم، و تقویت نیروهای مولد حمایت کرد تا بدین ترتیب، مراحل گوناگون انقلاب برای گذار به سوسیالیسم تقویت شود."

رفیق یچوری در ادامه ضمن برشمردن نمونه‌های تأسف‌انگیز به‌کارگیری سیاست‌های اشتباه در شماری از کشورهای منطقه، بر لزوم تحلیل مشخص از شرایط عینی مشخص برای تعیین مرحله انقلاب ملی-دموکراتیک تأکید کرد و گفت: "انقلاب دموکراتیک ملی تنها زمانی می‌تواند پیروز شود که تحت رهبری طبقه کارگر باشد. دیگر طبقات استثمار شده باید با طبقه کارگر متحد شوند و در ائتلاف طبقاتی قرار بگیرند، که همان جبهه دموکراتیک خلق است." وی در پایان ضمن اشاره به تلاش‌ها و مبارزات بی‌امان حزب توده ایران با استفاده از آموزه‌های مارکسیستی-لنینیستی و با هدف نجات انسان‌ها و نسل بشر، مجدداً تیریک و درودهای رفیقانه خود را به حزب توده ایران و همچنین دیگر حزب‌های برادر حاضر در سمینار تقدیم کرد.

در بخش بعدی سمینار، رفیق محمد امیدوار، سخن‌گوی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن ابراز تشکر از رفقای شرکت‌کننده در سمینار و اشاره‌ای کوتاه به فعالیت‌ها و سیاست‌های حزب، توضیح داد که بخشی از موضوع‌هایی که در این سمینار مطرح شده است، همچون انقلاب‌های ملی-دموکراتیک و تشکیل جبهه‌های متحد و "اسلام سیاسی"، در مجموعه اسناد پیشنهادی به کنگره هفتم حزب توده ایران تدوین شده است که در دست بررسی رفقای حزبی است. در بخش پایانی برنامه، پروفسور آبراهامیان، و رفقا محمد امیدوار، سلام علی، نوید شمالی، ورا پولیکارپو، و فتحی فضل با بیان نکاتی تکمیلی، به سؤال‌های رسیده جواب دادند. این سمینار مورد استقبال اعضا و نمایندگان حزب‌های کمونیست متعدد قرار گرفت و با بخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.



## انقلاب دموکراتیک ملی ایران

انقلاب اجتماعی از دیدگاه نظری مارکسیستی-لنینیستی به معنای تغییری بنیادی در نظام اجتماعی است که مناسبات تولیدی جدید و متریقی‌ای را

به وجود می‌آورد که متناظر با سطح توسعه نیروهای مولد است، و پایه و اساس آن تغییر مداوم تولید مادی است.

به این ترتیب، آنچه ما انقلاب دموکراتیک ملی توصیف می‌کنیم، با انقلاب اجتماعی یکسان نیست. وظیفه انقلاب ملی دموکراتیک حل اساسی تضاد میان کار و سرمایه در درون جامعه سرمایه‌داری نیست، بلکه این انقلاب صرفاً مرحله‌ای از تغییر است که پیش‌شرط‌های انقلاب اجتماعی را پایه‌ریزی می‌کند. به عبارت دیگر، در شرایط کنونی، آنچه نیاز ضروری و مبرم کشور ما ایران است، گذر از دیکتاتوری به مرحله دموکراتیک ملی است. و آنچه مانع حرکت کشور ما در این راه است، رژیم ولایتی حاکم است که به اعتقاد ما قابل اصلاح نیست. به‌رغم تلاش رهبران رژیم حاکم بر ایران و دستگاه تبلیغاتی آنها برای معرفی و توصیف انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ ایران با عنوان "انقلاب اسلامی"، واقعیت این است که آن انقلاب، انقلابی دموکراتیک ملی بود؛ نمونه‌ای کلاسیک بود از یک جنبش توده‌ی ضددیکتاتوری در شرایط ویژه توسعه سرمایه‌داری در ایران.

در ایران دهه‌های ۱۳۴۰/۱۹۶۰ و ۱۳۵۰/۱۹۷۰، به دلیل گسترش روابط سرمایه‌داری که طی آن نمایندگان طبقه بورژوازی کمپرادور بر زندگی سیاسی و اقتصادی کشور مسلط شدند، جامعه ایران با بحران ساختاری عمیقی مواجه شد. رسوخ و نفوذ فزاینده سرمایه امپریالیستی در اقتصاد ایران، همراه با حکومت پلیسی وحشیانه‌ای که برای صیانت از رژیم دست‌نشانده استبدادی وقت برقرار شده بود، به افزایش فشار بر قشرهای میانی کشور و خرده‌بورژوازی منجر شد. اصلاحات ارضی نیم‌بند شاه نیز باعث مهاجرت عظیم تنگدستان از روستاها به شهرها شد که بسیاری از آنها حامل باورهای عمیقاً مذهبی و محافظه‌کارانه بودند. این روند، وزن اجتماعی بیش از پیش مهمی به طبقه کارگر رو به رشد ایران در درون ساختار طبقاتی جامعه ما داد. بنابراین، انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ برخاسته از بحران‌های جدی اجتماعی-اقتصادی و تضادهای طبقاتی ناشی از منافع غالب بورژوازی کمپرادور و حکومت استبدادی رژیم فاسد و طرفدار غرب بود. آن انقلاب میلیون‌ها نفر را، از کارگران و دهقانان و خرده‌بورژوازی گرفته تا بخش‌هایی از بورژوازی ملی کوچک و متوسط، علیه رژیم شاه بسیج کرد. همچنین، توجه به این نکته اهمیت حیاتی دارد که نیروهای چپ، از جمله حزب ما، در سال‌های ۱۳۴۰/۱۹۶۰ و ۱۳۵۰/۱۹۷۰ وحشیانه سرکوب شدند، در حالی که به نیروهای مذهبی آزادی نسبی فعالیت داده شد، چون شاه آنها را نیرویی مفید در مقابله با چپ سکولار می‌دید. این بدان معنی بود که نیروهای مذهبی به‌مراتب سازمان‌یافته‌تر از [از چپ‌ها] بودند و از طریق شبکه مسجدها توانستند خود را آماده کنند و نقش قابل‌توجهی در رخدادهایی ایفا کنند که به پیروزی انقلاب ایران منجر شد.

انقلاب ایران با سرنگون کردن رژیم استبدادی شاه و بیرون راندن نیروهای امپریالیسم، مرحله سیاسی‌اش را با موفقیت به انجام رساند. برای حزب ما روشن بود برای اینکه انقلاب به پیروزی کامل برسد، لازم است که فراتر از این مرحله برود و نظم اجتماعی-اقتصادی‌ای را که در زمان شاه حاکم شده بود، با نظمی نوین جایگزین کند. بخش عمده‌ای از شعارها و برنامه و کارپایه سیاسی حزب ما - از جمله ملی شدن بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ و همچنین مراحل اولیه اصلاحات ارضی - در فضای موجود در سال اول انقلاب عملی شد. در آن زمان، حزب ما با آگاهی از چالش‌های پیش روی انقلاب، خواستار تشکیل "جبهه متحد خلق" با مشارکت دیگر نیروهای انقلابی شد تا از این راه بتوان تضمین کرد که جنبش انقلابی از خط خود خارج نخواهد شد. اما به دلیل تفاوت‌های سیاسی قابل توجه بین آن نیروها، این امر تحقق نیافت.

با نگاه به گذشته، اکنون مشخص است که خمینی و پیروانش مظهر "اسلام سیاسی" بودند که در آن زمان پدیده‌ای نسبتاً

## سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سمینار بین‌المللی حزب‌های کمونیست جهان: «کمونیست‌ها و جنبش‌های اجتماعی»

رفقا و دوستان گرامی،

پیش از هر چیز اجازه دهید به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه رفقای حزب‌های برادر و مهمان محترم‌مان پروفیسور آبراهامیان به‌خاطر موافقت با شرکت در این سمینار ارزشمند بین‌المللی تشکر کنم. این نشست نماد روشنی است از همبستگی بین‌المللی و عزم و اراده حزب‌های کمونیست و کارگری برای همکاری و همیاری در برابر سرمایه‌داری انحصاری، امپریالیسم، و اقتصاد نولیبرالی تحمیل شده بر کشورهای در حال توسعه، و پاسخ‌گویی به چالش‌های محلی و جهانی معاصر که همه ما در مبارزه خود برای ایجاد دنیایی دیگر و برای رسیدن به سوسیالیسم با آن مواجه هستیم.

همان‌طور که اطلاع دارید، ۲ اکتبر ۲۰۲۱ / ۱۰ مهر ۱۴۰۰، هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران بود؛ حزب طبقه کارگر و زحمتکش ایران و وارث و ادامه‌دهنده راه حزب کمونیست ایران، که یکی از نخستین حزب‌های کمونیستی در منطقه ما بود که در سال ۱۲۹۹/۱۹۲۰ تأسیس شد. حزب ما، که توسط گروهی از زندانیان سیاسی آزاد شده از زندان رضاشاه در سال ۱۹۴۱/۱۳۲۰ تأسیس شد، به‌سرعت به بزرگ‌ترین حزب سیاسی سازمان‌یافته در ایران با پایگاه گسترده طبقاتی و اجتماعی فراروید.

با نگاهی به موضوع‌های مهم این سمینار بین‌المللی، باید با تأکید بگویم که حزب ما در تاریخ ۸۰ ساله خود به مبارزه‌ای مشغول بوده است که از جمله شامل تلاش‌هایی در راه تشکیل اتحادی ملی است. اتحادی که در مرحله تحول دموکراتیک ملی به منظور تحقق تغییرهای اساسی در ایران امری پیش‌بینی شده و قابل‌انتظار است. همچنین، در چهل سال گذشته، حزب ما درگیر مبارزه با پدیده "اسلام سیاسی" بوده است.

با توجه به محدودیت زمانی این سمینار، نخست به طور خلاصه به برخی از جنبه‌های فعالیت حزبمان در راه به وجود آوردن جبهه‌ها و اتحادهای ملی می‌پردازم، و سپس بیشتر بر موضوع انقلاب دموکراتیک ملی ایران در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ و درس‌های مهم تاریخی شکست غم‌انگیز و زودهنگام آن تمرکز خواهیم کرد.

### با موضوع اول شروع می‌کنم: حزب‌های کمونیست، جنبش‌های اجتماعی گسترده، و اتحادها

حزب ما طی سه سال پس از تأسیس در سال ۱۹۴۱/۱۳۲۰ یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های اجتماعی تاریخ معاصر ایران را به وجود آورد. حزب ما در سال ۱۹۴۴/۱۳۲۳ "شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکش‌ان ایران" را تأسیس کرد. این تشکیلات کارگری در اوج فعالیت خود در سال ۱۹۴۶/۱۳۲۵ ۴۰۰ هزار عضو، از جمله ۹۰ هزار عضو از میان کارگران میدان‌های نفتی خوزستان و ۱۶۵ هزار عضو از کارگران صنایع نساجی شهرهای بزرگ داشت. در مجموع ۱۸۶ سندیکای کارگری عضو وابسته این سازمان سراسری بودند.

حزب توده ایران همچنین در راه ایجاد جبهه‌های مترقی برای مبارزه با ارتجاع و مداخله امپریالیستی بسیار کوشید. در سال ۱۹۴۳/۱۳۲۲، حزب ما نخستین جبهه وسیع به نام "جبهه آزادی" را تشکیل داد که متشکل از نیروهای مترقی کشور و همچنین سردبیران برجسته روزنامه‌ها بود. در پی تأسیس این جبهه، "جبهه مطبوعات ضددیکتاتوری" در ماه مه ۱۹۴۸/۱۳۲۷ و سپس "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" در سال ۱۹۴۹/۱۳۲۸ به همّت حزب ما تشکیل شد. خیزش و اوج‌گیری جنبش ملی شدن نفت در ایران در دهه ۱۳۳۰/۱۹۵۰، تعرضی جدی به منافع استعمار و امپریالیسم نه‌فقط در ایران، بلکه در کل خاورمیانه بود. بر همین اساس بود که کودتای ننگین دولت‌های آمریکا و بریتانیا برای سرکوب کردن جنبش ملی شدن نفت در ایران و در هم کوبیدن حزب توده ایران سازمان‌دهی و اجرا شد. به‌راستی که کودتای ۱۳۳۲/۱۹۵۳ ضربه سنگینی به فعالیت حزب ما و نیروهای مترقی ایران در آن سال و سال‌های بعد زد.

## ادامه سخنرانی نماینده کمیته مرکزی ...

ناشناخته و مطالعه نشده در منطقه ما بود. خمینی در تز معروف خود به نام "ولی فقیه" ("حکومت فقیهان [اسلامی]") که در اوایل دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ منتشر شد، به وضوح بیان کرد که اسلام فقط دین نیست، بلکه نظامی برای حکومت است که باید تحقق پیدا کند.

حزب ما با ارزیابی صحیح از صورت‌بندی طبقاتی لایه‌های گوناگون نیروهای که در انقلاب شرکت داشتند، به این جنبه ایدئولوژیک مانیفست خمینی، بر اساس "اسلام سیاسی" و پارکگاه طبقاتی اجتماعی آن توجه کافی نکرد. حزب ما [بعدها] در تحلیل اوضاع سال‌های آغازین پس از انقلاب [و مواضع حزب در آن سال‌ها] به این نتیجه رسید که ما در پیگیری سیاست "اتحاد و انتقاد" با رهبری خمینی، بیش از آنکه منتقد برخی از سیاست‌های رژیم باشیم که در راستای آرمان‌های انقلابی، آزادی‌های دموکراتیک، و خواست‌های مردم نبودند، به مؤلفه "وحدت" آن رویکرد توجه داشتیم. اگر چه و دیگر نیروهای دموکراتیک ملی موفق به تشکیل "جبهه متحد" می‌شدند، مقابله با روند نوپای اسلام‌گرایان و تغییر توازن سیاسی نیروها در کشور به‌منظور رسیدن به نتیجه‌ای متفاوت، امکان‌پذیر می‌بود. با این حال، نیروهای اسلام‌گرای ارتجاعی در مدت سه سال توانستند یکی پس از دیگری به نیروهای چپ و دموکراتیک حمله کنند، و سلطه مطلق خود را در ایران بر اساس "اسلام سیاسی" تحمیل کنند. بدین ترتیب، ایران همچنان در مرحله پیش از تحول دموکراتیک ملی باقی ماند. [در چنین شرایطی] حزب توده ایران برای تحقق این هدف‌ها مبارزه می‌کند: جدایی دین از حکومت؛ تحقق حقوق بشر و حقوق دموکراتیک شامل فعالیت‌های سندیکاهای کارگری آزاد، و تحقق عدالت اجتماعی؛ صیانت از استقلال ملی؛ برچیدن و حذف ساختارهای اقتصادی نولیبرالی تحمیل شده در دوره جمهوری اسلامی ایران؛ محدود کردن رشد سرمایه‌داری و تغییر مسیر به سمت رشد و توسعه نیروهای مولد در درون اقتصاد ملی؛ و توزیع مجدد عادلانه ثروت، منابع، و دارایی‌های مادی. حزب توده ایران همچنان بر این باور است که چنین تغییری مستلزم تشکیل جبهه متحد ضد دیکتاتوری و بسیج کردن همه نیروهای اجتماعی در داخل کشور، و شکل‌گیری اتحادی نیرومند از نیروهای چپ و مترقی با مشارکت مؤثر طبقه کارگر است. حزب توده ایران فوری‌ترین هدف نیروهای مترقی ایران را همکاری و همیاری با یکدیگر برای فراهم کردن زمینه‌های پایان دادن قطعی به حکومت مطلق ولایت فقیه و باز کردن راه برای انجام تغییرهای بنیادین دموکراتیک و پایدار در کشور ما می‌داند.

انقلاب ایران به ما آموخت که در دوره پس از دیکتاتوری در کشوری در حال توسعه مانند ایران، بدون نقش و رهبری تأثیرگذار طبقه کارگر و متحدانش، این خطر همچنان وجود دارد که هدف اصلی انقلاب در انجام تغییرهای بنیادین سیاسی و اجتماعی-اقتصادی محقق نشود. شکست انقلاب ایران حاوی درس‌های ارزشمندی در مورد اهمیت اتحاد طبقاتی برای دفاع از دموکراسی، حاکمیت ملی، و آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک است. تجربه ایران و کشورهای دیگر نشان داده است که اتحاد با نیروهای راست‌گرای که به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم اعتقادی ندارند، در نهایت رابطه‌ای یک‌طرفه و محکوم به شکست است که به غلبه ارتجاع و سلطه دیکتاتوری خونین منجر می‌شود.

رفقا،

بسیاری از نیروهای مترقی منطقه ما نیز مثل خود حزب ما، ماهیت و رشد سریع "اسلام سیاسی" را در دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ دست کم گرفتند. در مراحل آخر دوران "جنگ سرد" گذشته، امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، "اسلام سیاسی" را متحدی نیرومند برای خود در مبارزه با سوسیالیسم دید. دولت آمریکا، به‌رغم هیاهوهای لفظی‌اش در آن روزها، از راه تأمین مالی و حمایت تدارکاتی نیروهای اسلام‌گرای نوظهوری که به کشتار و خرابکاری در منطقه مشغول بودند، فعالانه به آنها کمک کرد. بسیاری از آنها هنوز هم نیروی ویرانگر عمده‌ای هستند که جلو پیشرفت جوامع ما را گرفته‌اند.

به نظر ما، مبارزه نیروهای کمونیست و کارگری منطقه ما با رژیم‌های دیکتاتوری همراه با مبارزه با "اسلام سیاسی" است که اکنون پایه و اساس اصلی برخی از این رژیم‌های دیکتاتوری است؛ به‌علاوه، این بیکار همراه با مبارزه با امپریالیسم و متحدانش در منطقه هم است. همکاری نزدیک همه نیروهای مترقی در منطقه ما، به‌ویژه نیروهای جنبش کمونیستی، در این مبارزه نهایت اهمیت را دارد. سپاسگزارم.

## ادامه بیانیه حزب توده ایران ...

می‌کنیم و خواستار بازگشت سریع و بی‌قیدوشرط به روند انتقال قدرت به نمایندگان قانونی سیاسی و غیرنظامی مردم سودان مطابق برنامه زمان‌بندی قبلی هستیم.

طبق گزارش‌های رسیده، در وضعیتی که ظاهراً اینترنت در خارطوم قطع شده است، نیروهای نظامی به ساختمان رادیو و تلویزیون سودان در آمدن، شهر کناری خارطوم، حمله کرده‌اند، و به گفته وزارت اطلاعات آن کشور - که تا کنون در برابر نظامیان کودتای مقاومت کرده است - کارمندان حاضر در ساختمان را دستگیر کرده‌اند. ارتش و واحدهای شبه‌نظامی مخوف «نیروهای پشتیبانی سریع» (RSF)، در سراسر خارطوم مستقر شده‌اند، بزرگراه‌های عمده پایتخت بسته شده است، و نیروهای کمکی از سراسر کشور وارد خارطوم می‌شوند.

حزب توده ایران، در کنار حزب کمونیست سودان و دیگر نیروهای مترقی سودان، ربودن عبدالله حمدوک، نخست‌وزیر آن کشور و انتقال او به محلی نامعلوم را محکوم می‌کند. بنا به گزارش‌ها، وی به علت نگرانی از کشتار خشن و گسترده ارتش، از صدور بیانیه در حمایت از کودتا و دستگیری چند وزیر و سیاستمدار غیرنظامی خودداری کرده بود و به همین دلیل رها شده است. حزب ما گزارش‌های رسیده در مورد درگیری‌های خشونت‌آمیز در پایتخت را با نگرانی دنبال می‌کند. به نظر می‌آید که ارتش و شبه‌نظامیان "نیروهای پشتیبانی سریع" در حال مقابله با افراد شجاعی‌اند که به فراخوان‌های حزب کمونیست سودان و انجمن مشاغل حرفه‌ای سودان برای آمدن به خیابان‌ها و سرپیچی از کودتا در چارچوب کارزار نافرمانی مدنی پاسخ مثبت داده‌اند.

از دیدگاه حزب توده ایران، زمان وقوع این رخداد اخیر نیز سؤال‌برانگیز است. این کودتا به دنبال نمایش چشمگیر اخیر حمایت مردم از نمایندگان غیرنظامی "شورای سیادت سودان"، در شرایطی که روند گذار دموکراتیک در سودان از حکومت نظامی [به حکومت غیرنظامیان منتخب] طبق برنامه زمانی از پیش تعیین شده در جریان بود، در حالی که خواست مردم برای تحویل دادن البشیر جنایتکار، حاکم مستبد سابق سودان، به دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه به اتهام جنایت علیه بشریت در دوره حکومت او مطرح شده بود، و به فاصله چند روز از برگزاری تظاهرات عظیم در سالگرد پیروزی انقلاب مردمی با شکوه سودان در روز ۲۱ اکتبر ۱۹۶۴ صورت گرفت. همچنین، قابل توجه است که این کودتا چند روز پس از دیدار جفری فلتمن، فرستاده ویژه آمریکا، با نظامیان سودان صورت گرفته است. در آن دیدار تضمین‌هایی از سوی عبدالفتاح البرهان، رئیس نظامی کنونی شورای حاکم انتقالی تقسیم قدرت، به حمدوک، نخست‌وزیر آن کشور، داده شد، مبنی بر اینکه ارتش به انتقال قدرت در سودان طبق زمان‌بندی قبلی پایبند خواهد بود. با وجود دادن چنین تضمین‌هایی در حضور فرستاده آمریکا، ارتش برای غصب قدرت به‌زور اقدام کرده است.

بسیار روشن است که فقط نیروهای ارتجاعی منطقه، دولت نژادپرست اسرائیل، و امپریالیسم آمریکا از توقف روند گذار دموکراتیک قدرت در سودان و بازگشتن به حکومت نظامی سود می‌برند. در شرایطی که انحلال دولت و وضعیت اضطراری در سودان توسط البرهان اعلام شده است، حزب توده ایران از تمام نیروهای مترقی و جامعه بین‌المللی می‌خواهد که از مردم سودان و نمایندگان سیاسی غیرنظامی برحق آنها حمایت کنند. به‌هیچ‌روی نباید حکومت نظامیان را پذیرفت. نظامیان باید بی‌درنگ به پادگان‌ها بازگردند.

حزب توده ایران از فراخوان‌های حزب کمونیست سودان و انجمن مشاغل حرفه‌ای سودان در راه‌اندازی کارزار نافرمانی مدنی و ترغیب مردم به آمدن به خیابان‌ها و سرپیچی از این تصاحب شرم‌آور قدرت به‌وسیله ارتش حمایت می‌کند. ما از همه حزب‌های برادر و نیروهای مترقی در سراسر جهان نیز می‌خواهیم که هرچه سریع‌تر به حمایت از مردم و نیروهای مترقی سودان برخیزند.

حزب توده ایران  
۲۵ اکتبر ۲۰۲۱ / ۳ آبان ۱۴۰۰

## ادامه پیام های پرشور تبریک و همبستگی حزب های کارگری و کمونیستی جهان به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب به کمیته مرکزی حزب توده ایران

### پیام شادباش کمونیست های کاتالونی

رفقای عزیز،  
۸۰ سالگی حزب توده ایران را به شما شادباش می گویم.  
حزب کمونیست ایران، و سپس حزب توده ایران، در جبهه مقدم همه مبارزات طبقه کارگر ایران قرار داشته اند، از جمله در انقلاب جمهوری شورایی کیلان، در اعتصاب های کارگری، و در انقلابی که شاه را سرنگون کرد، ولی بعد مذهبی ها به آن خیانت کردند.  
ما کمونیست های کاتالونی به همه آن رفقای که در زندان ها جان خود را از دست دادند و شهید شدند، همه رفقای که اعدام شدند، و همه رفقای ایرانی که امروزه همچنان مجبورند در شرایط مخفی کار کنند، ادای احترام می کنیم. ما شرایط شما را خوب می فهمیم. ما کمونیست های کاتالونی و اسپانیا نیز به مدت تقریباً ۴۰ سال مجبور بودیم در شرایط مخفی، در دیکتاتوری مذهبی کار کنیم، که در مورد ما، دیکتاتوری مسیحی بود.  
ما می دانیم که این گونه کار کردن بسیار دشوار و پر از مشکل است، اما کاری است که باید برای دفاع از منافع نه فقط طبقه کارگر، بلکه کل جمعیت کشور انجام شود. ما مایلیم در این مناسبت برای فرستادن پیام همبستگی کامل خود استفاده کنیم و بگوییم که ما در مبارزه شما با امپریالیسم و با حکومت دین سالار ایران، کاملاً از شما حمایت می کنیم. ما هم همان آرزوی شما را داریم که در آینده ای نزدیک بتوانیم شاهد دموکراسی و سوسیالیسم در ایران باشیم.

دبیرخانه روابط بین المللی، کمونیست های کاتالونی

### پیام کمیته مرکزی حزب کار اتریش

وین، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱ [۶ مهر ۱۴۰۰]  
به مناسبت ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، کمیته مرکزی حزب کار اتریش شادباش ها و درودهای برادرانه خود را به کمیته مرکزی و اعضای حزب توده ایران تقدیم می کند.  
حزب توده ایران سابقه فعالیت طولانی و درخشانی دارد. در طول این هشتاد سال گذشته، کمونیست های ایرانی مبارزات قهرمانانه ای را به پیش برده اند، و اغلب نیز بهای سنگینی برای آن پرداخته اند. ما به هزاران تن که جان خود را در مبارزه در راه تحقق حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، در راه صلح و آزادی، و در راه سوسیالیسم قربانی کرده اند، ادای احترام می کنیم. تداوم مبارزه حزب شما در دشوارترین شرایط، در انواع حکومت های سرکوبگر، و در حالی که بیشتر تاریخ آن به صورت فعالیت «غیرقانونی» بوده است، برای طبقه کارگر و جنبش مردمی در ایران نهایت اهمیت را دارد.  
جنبش طبقه کارگر ایران سابقه ای طولانی دارد که به بیش از صد سال پیش بازمی گردد. به علاوه، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نیز بر جنبش کارگری ایران تأثیر گذارده است. تأسیس حزب توده ایران در سال ۱۹۴۱/۱۳۲۰ به مثابه حزب طبقه کارگر ایران، با توجه به تحوّل ایران از کشوری نیمه فئودالی و عقب مانده به کشوری سرمایه داری در دهه های اول قرن بیستم میلادی، ضرورتی اجتماعی بود. حزب شما از نخستین سال های پس از تأسیس تا نخستین باری که در سال ۱۹۴۹/۱۳۲۷ «غیرقانونی» اعلام شد، با تشکیل دادن شورای متحدۀ مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران و سازمان دهی یک رشته مبارزات کارگری بزرگ، اهمیت خود را برای طبقه کارگر ایران نشان داد.

حزب توده ایران نخستین بار در تاریخ فعالیتش، فقط ۷ سال پس از تأسیس، در سال ۱۹۴۹/۱۳۲۷ «غیرقانونی» (و فعالیت آن ممنوع اعلام شد. بسیاری از کادرها و اعضای حزب شما به تبعید اجباری رفتند. از آن زمان تا کنون، حزب شما فقط چند سال از مبارزه خود را به طور مستقیم در کنار زحمتکشان، دهقانان، و روشنفکران در جریان فعالیت قانونی گذرانده است. امروزه سرکوب و استثمار در میهن شما، همراه با نقشه های امپریالیستی

آمریکا و متحدانش در خارج از کشور، بار دیگر نیاز به حزب انقلابی قدرتمند طبقه کارگر در ایران را برجسته می کند.

بسیاری از کمونیست های ایرانی به اتریش و دیگر کشورهای جهان پناهنده شدند و روابط برادرانه نزدیکی با جنبش کمونیستی در کشور ما برقرار کردند. حزب کار اتریش سنت انترناسیونالیستی جنبش کمونیستی انقلابی را در اتریش پاس می دارد. حزب ما از مبارزه حزب های کمونیستی و کارگری در سراسر جهان با استثمار سرمایه داری و تجاوز امپریالیستی حمایت می کند. ما به تقویت همبستگی بین المللی و همکاری بین حزب هایی که هدف های انقلابی یکسانی را دنبال می کنند اعتقاد داریم. ما برای حزب شما آرزوی بیشترین موفقیت ها را در آینده داریم و مشتاقانه خواهان تقویت مناسبات دوجانبه خود در سال های آتی هستیم.

زنده باید حزب توده ایران!

پاینده باد مارکسیسم-لنینیسم!

برقرار باد انترناسیونالیسم پرولتری!

کمیته مرکزی حزب کار اتریش

### پیام شادباش حزب کمونیست صربستان

رفقای عزیز،

کمیته مرکزی و همه اعضای حزب کمونیست صربستان این جشن بزرگ، هشتادمین سالگرد تأسیس حزب پُرافتخار توده ایران را به شما تبریک می گویند. ما با مبارزات کمونیست های ایران در راه صلح و سوسیالیسم ابراز همبستگی می کنیم. ما می دانیم که حزب توده ایران، پیشاهنگ طبقه کارگر و مردم ایران است. ما اطمینان داریم که شما به مبارزه عادلانه خود در راه ارزش های سوسیالیستی و رهایی کشورتان از نفوذ نیروهای امپریالیستی ادامه خواهید داد. به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس حزبتان، درودهای گرم و شادباش های صمیمانه ما را به همه اعضای حزب ابلاغ کنید.

با درودهای رفیقانه،

دیان یوانوویچ، دبیر شعبه روابط بین المللی

### پیام شادباش حزب کمونیست سوئد

رفقای عزیز،

حزب کمونیست سوئد به مناسبت ۸۰ سالگی حزب توده ایران درودها و شادباش های برادرانه خود را به شما تقدیم می کند.

در حالی که حزب شما هشت دهه مبارزه اش را جشن می گیرد، جهان هنوز در چنگال کوئید-۱۹ اسیر است. در نظام سرمایه داری، بار بحران همیشه بر دوش زحمتکشان است. فشار این بار چشم افراد بیشتری را به روی وحشیگری نظام سرمایه داری باز کرده است. در عین حال، ثروتمندترین کشورها از منابع خود، و جایگاه خود در سلسله مراتب امپریالیستی، برای تأمین مقادیر قابل توجهی واکسن کوئید-۱۹ برای خودشان استفاده کرده اند، و بخش بزرگی از جمعیت کشورهای فقیرتر را بی دفاع گذارده اند.

این امر همچنین ماهیت سرمایه داری در عصر امپریالیسم را افشا می کند: دولت های سرمایه داری به باری گروه بندی های سرمایه انحصاری ملی خود می شتابند تا سودهای آنها را تضمین و حفظ کنند. وحشیگری این نظام، در سرشت آن است، و از راه اصلاحات نمی توان این نظام را برچید. راه حل در برقراری سوسیالیسم است. در دوران سلطه امپریالیسم، حضور و فعالیت حزب کمونیست بیش از هر زمان دیگری محسوس است و ضرورت دارد. حزب کمونیست تنها نیروی است که می تواند طبقات زحمتکش را به جایگاه شایسته آنها در تاریخ هدایت کند و برساند. سابقه طولانی مبارزه، امری است که ارزش جشن گرفتن دارد. ما هنوز مبارزه بزرگی در پیش داریم. اما پرسش "سوسیالیسم یا وحشیگری؟" اکنون به پرسش "سوسیالیسم یا انقراض؟" تبدیل شده است. برآمد این مبارزه باید پیروزی سوسیالیسم باشد.

زنده باد حزب توده ایران!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

با احترام های رفیقانه،

کارل گونارسون، دبیر شعبه بین المللی

از طرف حزب کمونیست سوئد

### پیام شادباش حزب کمونیست خلق های اسپانیا

رفقای گرامی حزب توده ایران،

به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب ادامه در صفحه ۱۴

## ادامه پیام های همبستگی با حزب ...

کمونیست خلق های اسپانیا (PCPE)، در آستانه ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران در دهه های برادرانه خود را به شما تقدیم می کنیم. مسیری که کمونیست ها طی کرده اند طولانی و دشوار بوده است. در ایران، قهرمانی های مردم ایران در برابر غصب قدرت توسط رژیم شاهنشاهی، و مداخله های امپریالیسم و صهیونیسم، در منطقه ای که مبارزه طبقاتی در آن گستره قابل توجهی یافته است، شکل گرفته است. هشتاد سال پیش، قدرت های فاشیستی-نازی آلمان و ایتالیا و ژاپن برای فتح بیشتر کره زمین، دنیا را تهدید کردند. به همین دلیل، به درستی کمونیست ها در ایران در پیرامون تنها حزبی تشکل یافتند که بهترین خط مبارزه با متجاوزان خارجی و همدستان داخلی آنها را به پیش می برد.

رفقا، به پاس این تاریخ طولانی، قدردانی و تجلیل حزب کمونیست خلق های اسپانیا را بپذیرید، با این اعتقاد که این سالگرد، تشکیلات و مبارزه کمونیست ها در ایران را ارتقا خواهد بخشید.

فرخنده باد ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران!  
با درودهای انترناسیونالیستی،

ویکتور لوکاس، دبیر شعبه بین المللی کمیته مرکزی

## پیام شادباش حزب کمونیست فیلیپین (PKP-1930)

رفقای گرامی،

حزب کمونیست فیلیپین (PKP-1930) گرم ترین درودهای رفیقانه خود را به مناسبت ۸۰مین سالگرد بنیادگذاری حزب شما در روز ۲ اکتبر ۲۰۲۱ [مهر ۱۴۰۰] به شما تقدیم می کند. امیدواریم که همه مراسم برنامه ریزی شده شما به این مناسبت، که در آنها نقش و سهم حزب توده ایران در مبارزه در راه تحقق صلح، دموکراسی، و پیشرفت اجتماعی در تاریخ معاصر ایران گرامی داشته خواهد شد، با موفقیت برگزار شود.

در شرایط ادامه تهدیدهای امپریالیسم آمریکا علیه ایران، خطر حمله خیانتکارانه امپریالیستی-صهیونیستی به ایران، و نقشه در حال شکل گیری آمریکا برای استفاده از دست نشاندگی جدیدش طالبان علیه ایران و دیگر کشورهای همسایه، وضعیت در ایران و پیرامون آن همچنان خطرناک و انفجاری باقی مانده است. و این وضع، با یورش مداوم رژیم دین سالار ایران برای خفه کردن همه مخالفان و دگراندیشان داخلی، وخیم تر شده است. این وضعیت، تمام حمایت ها و همبستگی های ممکن نسبت به حزب توده ایران را می طلبد که طبقه کارگر و مردم ایران را در مبارزه با هر دو فشار و تهدید امپریالیستی خارجی و سرکوب داخلی توسط حکومت مذهبی اسلام گرا هدایت می کند. ما به رهبری حزب توده ایران در مبارزه بسیار دشوارش در راه منافع مردم ایران و به ویژه طبقه کارگر ایران، در راه رهایی ملی از تحریم های امپریالیستی و مهار دین سالار، و رهایی اجتماعی درود می فرستیم. ما فداکاری و یابرداری انقلابی حزب توده ایران را در پیشبرد و تداوم جنبش انقلابی در داخل ایران در شرایط بسیار خطرناک موجود، تحسین می کنیم.

حزب توده ایران، قدیمی ترین حزب سیاسی موجود ایران که در سال ۱۹۴۱/۱۳۲۰ جانشین حزب کمونیست ایران شد (که در سال ۱۹۲۰/۱۲۹۹ سازمان دهی شد، اما به طرز وحشیانه ای به دست حکومت دیکتاتوری در آن زمان سرکوب شد)، تنها حزبی که همواره با استبداد پهلوی دست نشاندۀ امپریالیسم و سپس با حکومت دینی اسلام گرا مبارزه کرده است، جایگاه افتخارآمیزی در صفوف مقدم جنبش کمونیستی بین المللی به دست آورده است. برای جنبش های جهانی در راه رهایی، صلح، و سوسیالیسم، مبارزات حزب توده ایران از اهمیت زیادی برخوردار است.

حزب کمونیست فیلیپین (PKP-1930) که سابقه روابط صمیمانه رفیقانه با برخی از کادرهای حزب توده ایران دارد که در دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ دانشجوی پناهنده در مانیل بودند، همچنان به همبستگی کامل و قاطع خود با حزب توده ایران ادامه می دهد. حزب کمونیست فیلیپین (PKP-1930) برای تحقق هدف اصلی کنونی حزب توده ایران در ایجاد و تقویت جبهه متحد ضد دیکتاتوری در داخل ایران که برای دستیابی به آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی، هم با امپریالیست ها و هم با رژیم دین سالار حاکم مبارزه می کند، آرزوی موفقیت دارد.

با درودهای کمونیستی،  
آنتونیو پاریس، دبیرکل

## پیام شادباش حزب کارگران سوسیالیست کرواسی

رفقای عزیز،

حزب کارگران سوسیالیست کرواسی هشتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را به شما تبریک می گوید. به امید همکاری قوی تر، بهتر و نزدیکتر در آینده در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری و برای سوسیالیسم و کمونیسم، بهترین ها را در این سالگرد برای شما آرزو می کنیم.

حزب کارگران سوسیالیست کرواسی  
شعبه روابط بین المللی  
ولادیمیر کاپورالین

## پیام شادباش تریبون مترقی بحرین

به مناسبت ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

در وضعیتی که منطقه ما در آن قرار دارد- تنش های نظامی و نبرد برای تقویت مراکز نفوذ، و تلاش های شرکت های سرمایه داری برای حفظ درآمدها و سودهای خود- قدرت های امپریالیستی می کوشند که کنترل خود را بر آینده و داشته های مردم این منطقه افزایش دهند. این واقعیت به نیروهای مترقی در منطقه خلیج فارس انگیزه می دهد که مبارزه خود با این سیاست ها را تشدید کنند. در تمام این دهه ها، حزب شما یکی از مشعل های فروزان در مبارزه بی امان و مداوم با این سیاست ها بوده است و هنوز هم است. حزب شما یکی از نخستین حزب های سیاسی بود که بذر آگاهی طبقاتی را در منطقه خلیج فارس پاشید. بدین ترتیب بود که حزب توده ایران در ذهن جنبش های آزادی بخش ملی ملت های خلیج فارس ماندگار شد.

ما بار دیگر درودها و شادباش های خود را به رفقای خود در حزب آینده نگر شما تقدیم می کنیم، با این امید که مبارزه شما با پیروزی های بیشتری در داخل ایران در برابر نیروهای تاریکی، ارتجاع، و سلطه «اسلام سیاسی» همراه باشد.

خلیل یوسف، دبیرکل تریبون مترقی بحرین

## پیام شادباش حزب کمونیست اسرائیل به رفقای عزیز توده ای

۲۲ اکتبر ۲۰۲۱ [۳۰ مهر ۱۴۰۰]

رفقای عزیز،

به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، در ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب توده ایران درودهای گرم رفیقانه خود را به شما تقدیم می کنیم. به مناسبت این سالگرد، و بر پایه مناسبات طولانی مدت برادری بین حزب توده ایران و حزب کمونیست اسرائیل، ما بار دیگر از مبارزه مداوم شما برای پایان دادن به رژیم دین سالار ایران و رهایی از یوغ دیکتاتوری یاد می کنیم. ما به فداکاری ها و از خود گذشتگی های حزب توده ایران در مقابل سرکوب وحشیانه استبداد رژیم حاکم ادای احترام می کنیم.

ما نیز مانند شما معتقدیم که تغییرهای بنیادین مورد نیاز در نظام سیاسی کشور فقط از طریق مبارزه مشترک و هماهنگ همه نیروهای سیاسی و اجتماعی فعال در آن رژیم امکان پذیر است. ما از مبارزه شما در راه تغییرهایی که فقط توده های ایران می توانند آن را به خاطر منافع و آینده شان رهبری کنند، حمایت می کنیم. به علاوه، ما هرگونه دخالت خارجی نیروهای امپریالیستی در مسائل داخلی ایران، و تلاش آنها را برای دشمن تراشی در ایران به منظور توجیه عملکرد ناتو، و نیز سیاست ها و برنامه های اسرائیل در منطقه را، که تهدید واقعی برای ملت ها، صلح، و ثبات است، رد می کنیم.

ده ها سال است که حزب توده ایران تعهد عمیق خود را نسبت به آرمان فلسطین، و همبستگی اش را در مبارزه با سیاست های اسرائیل علیه شهروندان فلسطینی اسرائیل ابراز کرده و اشغال اسرائیل و تجاوزگری بی رحمانه این دولت را قاطعانه محکوم کرده است. حزب توده ایران در حمایت از صلح و ثبات در منطقه، و در مبارزه با نیروهای امپریالیستی در ایران و منطقه نقشی تاریخی ایفا کرده است و می کند.

رفقا،

امیدواریم که با تقویت روابط برادری و آرمان های مشترکمان بتوانیم در مبارزه خود در راه صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم، هرچه بهتر از مردمان حمایت کنیم و دیدگاه های گسترده تری به مردم خود بدهیم.

برای فعالیت حزب توده ایران در سال های فراوان آینده بهترین آرزوها را داریم.

با درودهای انقلابی،

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل

## ادامه موریس بیشاپ و انقلاب گرنادا ...

دادن دولت گرنادا بیابند. ریگان حتا یک باند فرودگاه که برای رونق بخشیدن به صنعت گردشگری، یعنی دومین بخش بزرگ اقتصادی جزیره گرنادا، ساخته شده بود "طرح پایگاه‌سازی قدرت کوبا و اتحاد جماهیر شوروی" نامید و رسانه‌های ایالات متحده نیز در این زمینه با ریگان همراهی کردند. همان طور که نوام چامسکی در کتاب "توهم‌های ضروری" می‌نویسد: "اقدام‌های تحریمی ایالات متحده برای ناپایدار ساختن دولت موریس بیشاپ به ندرت گزارش می‌شد. همچنین ترفندهایی دیگر که علیه گرنادا برای بازسازی از پیشرفت و توسعه دولتی که اکنون به نظر می‌رسد از حمایت مردم و تا اندازه‌ای موفقیت برخوردار بود انجام گرفت مانند مسدود کردن کمک‌ها پس از اینکه طوفان دریایی شدید در اوت ۱۹۸۰ گرنادا را درهم کوبید گزارش نشد." هنگامی که "برنارد کورد"، معاون نخست‌وزیر جنبش نوین جوئل، در کودتایی که هنوز جنبه‌هایی از آن تا به امروز ناروشن مانده است، قدرت را به دست گرفت، موریس بیشاپ زندانی و سرانجام اعدام شد. دولت ریگان از این برآمد استفاده کرد تا کار جنبش نوین جوئل را برای همیشه یکسره کند.

بیش از ۷ هزار نظامی ایالات متحده به بهانه حفاظت از دانشجویان آمریکایی به جزیره گرنادا حمله کردند. اما به زودی روشن گردید که قصد واقعی نظامیان ایالات متحده جلوگیری از ادامه فرایند انقلاب است. همان طور که لولا کامپوس می‌نویسد: "حمله آمریکا" به برقراری دوباره قانون اساسی پیشین گرنادا و واگشت بی‌درنگ دستاوردهای انقلاب جنبش نوین جوئل منجر شد."

پس از گذشت بیش از ۴۰ سال، نسل بعدی دانشجویان انقلاب گرنادا که با خشونت دست‌خوش گسیختگی شد، یادبود شرایط آن دوران را که موریس بیشاپ را به رهبری انقلاب نشانند پاس می‌دارند و آنانی که او را به‌زیر کشیدند با بازگویی سخنان مرل کالینز- شاعر و نویسنده گرنادایی و پشتیبان سرسخت جنبش نوین جوئل - به یاد می‌آورند:

کاوش و موشکافی  
هنوز آشفته و پریشان در بگو و مگو  
هم‌سوگی و همدردی  
آمیختن و تلفیق  
پشیمانی و بهیاد آوردن

اگرچه جنبش نوین جوئل دیگر وجود ندارد، اما دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی این جنبش، همراه با نگرش انترناسیونالیستی‌اش، برای کسانی که در پی چشم‌انداز مناسب‌ترین کشورهای شمال و جنوب برون از بندهای نواستعمار جهانی‌اند، الهام‌بخش است.

## برگزاری جشن هشتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ها در گوتنبرگ سوئد



مراسم جشن هشتمین سالگرد حزب توده ایران، با حضور اعضاء و تعدادی از دوستان حزب در روز ۱۶ اکتبر، در شهر گوتنبرگ سوئد، برگزار شد.

پس از خوشامدگویی به میهمانان، مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت به پاس گرامیداشت خاطره جانب‌اختگان حزب و جنبش، آغاز شد و با پخش سرود حزب ادامه پیدا کرد.

سپس یکی از رفقا به بیان فرازهایی از تاریخ حزب، همراه با نشان دادن تصاویری از مبارزات تاریخی مردم ایران و تظاهرات سازمان داده شده توسط حزب و نیز تصاویری از جانب‌اختگان قهرمان حزب، رهبران حزبی و شخصیت‌های برجسته سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میهنمان، پرداخت. در ادامه مراسم شعر زنده یاد سیاوش کسرایی با عنوان "ریشه و جنگل" با صدای شاعر، پخش شد. این بخش از مراسم با پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در طول این مراسم، اسلاید هایی حاوی گزیده هایی از پیام‌های شادباش احزاب کمونیست و کارگری جهان و نیز سازمان‌های چپ و مترقی ایرانی در معرض دید میهمانان، قرار گرفت.

بعد از صرف شام، جشن با آواز خوانی، پخش موسیقی، گفتگو و تجدید خاطرات تا پاسی از شب ادامه یافت. در این مراسم مبالغه به عنوان کمک مالی به حزب، جمع آوری گردید.

## ادامه حزب توده ایران از مشی سیاسی -

"عدالت"، "راه توده"، و برخی دیگر، برای هماهنگ کردن کارها و زمینه‌سازی برای "ایجاد/احیای حزب توده ایران" آغاز شده است. اعلامیه مشترک "عدالت" و "۱۰ مهر" به مناسبت سالگرد تأسیس حزب، و حمله هماهنگ این سایت‌ها به موجودیت حزب توده ایران و رهبری آن به بهانه هشتمین سالگرد بنیانگذاری حزب، اتفاقی نمی‌تواند باشد. گفتنی است که گرداننده سایت "عدالت" آزادانه به ایران رفت‌وآمد می‌کند و فرهاد عاصمی، که مدتی با او در تماس بوده است، درباره وی می‌گوید: "برخی از "عدالت" چی‌ها و به طور مشخص ع. سهند، که به گفته خودش در رفت‌وآمد داریم به ایران است، و ظاهراً یکی از پاهای محکم "اتاق فکر" در حاکمیت سرمایه‌داری برای مبارزه با حزب توده ایران نیز می‌باشد..." (نقل از سایت توده‌ای‌ها، ۱۴ آذر ۱۳۹۱)

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست‌های اخیرش با هوشیاری بر این نکته تأکید داشته است که پس از درگذشت زنده‌یاد رفیق علی خاوری، چهره شاخص رهبری حزب توده ایران که نقشی تعیین کننده در بازسازی تشکیلات و فعالیت حزب توده ایران بعد از یورش‌های دهه ۱۳۶۰ داشت، باید انتظار داشت که دستگاه‌های امنیتی سپاه و دشمنان و مخالفان حزب از فرصت برای تشدید حمله‌ها به حزب استفاده کنند، و اینکه حزب و رهبری آن باید با خونسردی و به اتکای صفوف متحد و منسجم خود و سلامت و صلابت سیاسی‌اش به مقابله با این توطئه‌های ضدحزبی برخیزد.

زنده‌یاد رفیق شهید فرج‌الله میزانی (جوانشیر)، در کتاب "سیمای مردمی حزب توده ایران"، در پاسخ به کسانی که حقانیت حزب را نفی می‌کردند، و به‌طور عمده اخراجی‌ها و انشعابگرانی که دنبال راه‌اندازی "حزب" بودند، و نیز درباره فعالیت‌ها و کارزارهای دشمنان حزب، که در طول بیش از ۸۰ سال تاریخ کنونی آن پدیده‌ای همیشگی بوده است، از جمله می‌گوید: "از این نمونه‌ها صدها می‌توان آورد. بهتر از آن، عملکرد همه گروه‌ها و گروهک‌های ضدتوده‌ای مدعی "ایجاد" حزب طبقه کارگر است که هیچ کدام و هرگز یک گام در راه سازندگی برنداشتند و جز کوشش برای تخریب حزب توده ایران و طیفه‌ای برای خود نشانختند، و این کوشش کاملاً منطبق بود- و هست- با کوشش‌های سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و مقامات امنیتی رژیم شاه که به زور فشار و شکنجه و تبلیغات مسموم، در کار آن بودند که شاید حزب توده ایران را واقعاً متحل کنند. شعار "ایجاد، تأسیس، احیاء، اصلاح، تکمیل و ..." اسم رمز همین عملیات پلیسی و خرابکارانه است که در زورق "انقلابی" عرضه می‌شود..." ("سیمای مردمی حزب توده ایران"، انتشارات حزب توده ایران، آذر ۱۳۶۰، ص ۸۶)

مبارزه ادامه دارد، و حزب توده ایران به‌رغم کارشکنی‌ها و تلاش‌هایی که برای ائتلاف انرژی و امکانات حزب و ضربه زدن به اعتبار و حیثیت آن صورت می‌گیرد، به پشتوانه اعضای وفادار به آرمان‌های انسانی و سوسیالیستی، به اتکای تشکیلاتی که با همه دشواری‌های دهه ۱۳۶۰ به همت والای همین اعضا بازسازی شد، و به اتکای خرد جمعی توده‌ای‌ها در تشکیلات حزبی و نهادهای رهبری و سیاست‌گذاری حزب مانند پلنوم‌ها و کنگره‌ها، به پیشبرد منظم برنامه‌های مصوب حزبی ادامه می‌دهد و از مشی سیاسی -تشکیلاتی اصولی، و مبارزه انقلابی خود برای طرد رژیم ولایت فقیه و کوشش برای استقرار حکومتی ملی و دموکراتیک منحرف نخواهد شد!



چه گوارا، ژولیوس  
نییره، و  
شخصیت‌های  
مبارز در  
ایالات‌متحده  
مانند مالکوم  
ایکس و مارتین  
لوتر کینگ  
رویکردی مثبت  
داشت. در سه  
سال دوران  
نخست‌وزیری‌اش

خدمات بهداشتی و درمانی جزو حقوق ابتدایی درآمد و برای نخستین بار زمینه تهیه مسکن برای مستمندان فراهم گردید، تولید مواد غذایی افزایش یافت، و بی‌سوادی بزرگسالان در سه سال به کمتر از ۵ درصد کاهش یافت. افزون بر این‌ها، سازمان ملی زنان گرنادا با هدف اولویت‌بندی دست یافتن به برابری جنسیتی بنا نهاده شد. رودا رداک، دانش‌پژوه ترینیدادیایی، اعلام کرد: "رهبری انقلاب گرنادا در پذیرش نقش برجسته زنان در جامعه عمل پوشاندن به انقلاب بی‌بدیل بوده و از زنان دعوت کرد تا در روند دگرگونی‌های انقلابی شرکت کنند."

همه این پیش‌گامی‌ها به‌شيوه مشارکتی و مردمی انجام گرفت و به دستاوردهای اجتماعی و زیرساختی‌ای فراوان انجامید. کامیابی الگوی حکمرانی آنان، جنبش انقلابی جوئل را به دشمن ایالات‌متحده تبدیل کرد. پس از اینکه تلاش‌های موريس بيشاپ به‌منظور عادی‌سازی روابط با ایالات‌متحده بی‌پاسخ ماند، بيشاپ پی برد ایالات‌متحده او را دشمن خود می‌داند. بيشاپ در سخن‌رانی‌ای در کالج هانتز در شهر نیویورک در ۵ ژوئن ۱۹۸۳ به این مطلب چنین اشاره کرد: "آنان همه‌گونه دلیل و بهانه‌ای برای مخالفت با ما مطرح می‌کنند، برخی از آن‌ها باورپذیر و برخی سراپا دوراندختنی‌اند. چندی پیش ما از گزارش محرمانه جالبی به وزارت خارجه درباره این موضوع آگاهی یافتیم. آن گزارش محرمانه به این نکته اشاره می‌کند که: انقلاب گرنادا از جهتی حتا بدتر از - من نقل قول مستقیم می‌کنم - از انقلاب کوبا و نیکاراگوئه است، زیرا مردم گرنادا و رهبری انقلاب گرنادا انگلیسی‌زبان‌اند و بنابراین می‌توانند به‌طور مستقیم با شهروندان ایالات‌متحده ارتباط برقرار کنند. همچنین گفته‌اند ۹۵ درصد از جمعیت ما سیاه‌پوست هستند. اگر جمعیت کشورمان ۹۵ درصد آفریقایی‌تبارند، با این دیدگاه، ما می‌توانیم برای ۳۰ میلیون شهروند سیاه‌پوست در ایالات‌متحده جاذبه‌ای خطرناک داشته باشیم."

هر دو رئیس‌جمهور - جیمی کارتر و رونالد ریگان - در آن زمان می‌کوشیدند راهی برای بی‌ثبات‌سازی و دی‌وآسا نشان

ادامه در صفحه ۱۵

## موريس بيشاپ و انقلاب گرنادا را به یاد آوريم

شانزدهم اکتبر ۳۸ سال از مرگ موريس بيشاپ، رهبر دولت انقلابی مردمی گرنادا (PRG) می‌گذرد. دولت انقلابی‌ای که دوره‌اش به‌طور غم‌انگیزی کوتاه بود. دولت انقلابی مردمی گرنادا زمانی شکل گرفت که جنبش نوین "جوئل" (مخفف عبارتی انگلیسی به‌معنای "تلاش مشترک برای رفاه، آموزش، و رهایی") به‌رهبری موريس بيشاپ که در میان مردم محبوبیت زیادی داشت، کنترل کشور را از "اریک گیری" (دیکتاتور زیر حمایت ایالات‌متحده) به‌دست گرفت. اگرچه دولت جنبش نوین جوئل پیش از کشته شدن بيشاپ در کودتایی نظامی به‌رهبری "برنارد کورد" فقط چهار سال دوام آورد (پس از آن هم ایالات‌متحده به‌منظور نابودی بقایای این جنبش به گرنادا حمله کرد)، اما سیاست‌های انسانی و مردمی بيشاپ و همچنین دیدگاه انترناسیونالیستی‌اش همچنان الهام‌بخش دانش‌آموزان و دانشجویان تجربه انقلاب گرنادا است.

گرنادا جزیره‌ای کوچک در جنوب دریای کارائیب، نزدیک سواحل ونزولا است. بومیان آراواک و کالیناگو یا کاریب که نام این دریای کارائیب از نام آنان گرفته شده است، پیش از استعمار قاره آمریکا در این منطقه ساکن بوده‌اند. فرانسه این کشور را به استعمار خود درآورد و در دوران حاکمیت استعماری‌اش بیشتر مردم بومی را به‌هلاکت رساند. سپس این جزیره در پایان جنگ هفت‌ساله به چنگ استعمار انگلیس افتاد. برای همین است که زبان رسمی امروز گرنادا زبان انگلیسی است. بر اساس الگویی که در قاره آمریکا همانندسازی می‌شد، انگلیسی‌ها هزاران آفریقایی برده را به‌اجبار در این جزیره جابجا می‌کردند و از نیروی‌شان برای تولید سود برای کلان‌شهرها بهره می‌گرفتند. به‌همین سبب است که بیشتر شهروندان گرنادا خود را آفریقایی‌تبار می‌دانند.

در دوران رکود بزرگ در سال‌های دهه ۱۹۳۰، بسیاری از ساکنان گرنادا کارشان را از دست دادند. این امر سبب شد تا بسیاری برای یافتن کار به کشورهای پیرامونی بروند که اغلب در فعالیت‌های سندیکایی و ضد استعماری درگیر شدند. یکی از مهم‌ترین فعالان در آن زمان "اریک گیری" بود. وی در سال ۱۹۷۴ برای پیشبرد استقلال گرنادا و رهایی از دوران استعمار به کشور بازگشت. ولی همین که خود را در قدرت یافت به دیکتاتوری سنگدل و مورد حمایت ایالات‌متحده و متحدانش مبدل شد.

اریک گیری با گروه شبه‌نظامی خصوصی‌اش بهنام مانگوس، با شکنجه و کشتن منتقدان رژیم (از جمله کشتن روپرت بيشاپ، پدر موريس بيشاپ در سال ۱۹۷۴) به هراساندن مردم روی آورد و از پینوشه، دیکتاتور شیلی سلاح و آموزش دریافت می‌کرد. او به‌ازای وفاداری‌اش به استعمارگران در سال ۱۹۷۷ به‌عضویت شورای خصوصی انگلیس درآمد و دیرتر در همان سال از سوی ملکه الیزابت شوالیه شد.

جای تعجب نبود که اریک گیری و دارودسته‌اش علاقه‌ای چندان به توسعه اقتصادی گرنادا نداشتند. فرآوری کشاورزی از رونق افتاد، بیکاری افزایش یافت، قیمت‌ها سر به‌فلک کشید و جنبش‌ها بر ضد دولت رو به گسترش نهاد و بی‌باک‌تر شدند. جنبش نوین جوئل، گروهی با مرام کمونیستی که بر اساس اصول مارکسیسم-لنینیسم فعالیت می‌کرد، ساکنان رهبری برای بسیج و سازمان‌دهی مبارزه با اریک گیری را به‌دست گرفت. اریک گیری از هدف این حزب آگاه بود و در سال ۱۹۷۹ قصد داشت رهبران آن را در حالی که خودش در سفری به ایالات‌متحده بود، به‌قتل برساند.

جنبش نوین جوئل از نقشه او مطلع شد و بی‌درنگ دست به عمل پیشگیرانه زد. گروه مانگوس را بازداشت و کنترل دولت را به‌دست گرفت. در ۱۳ مارس ۱۹۷۹ با حمایت قاطع مردم، برپایی دولت انقلابی مردمی گرنادا اعلام و موريس بيشاپ نخست‌وزیر شد. موريس بيشاپ یک مارکسیست دنیا‌دیده و دارای نگرشی انترناسیونالیستی بود. او درباره روشنفکران ضد امپریالیستی مانند فرانتس فانون، رهبران پس از دوران استعمار مانند فیدل کاسترو،

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس پستی:

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

**Nameh Mardom No. 1141**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

25 October 2021

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

